

جایگاه اتحاد جماهیر شوروی در الگوهای سیاست خارجی ایران دوران پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۳۲ش)

روح اله اسلامی^۱

زهرا اکبری^۲

چکیده

در مقطع تاریخی ۱۳۵۷-۱۳۳۲ش. با توجه به چیرگی سیاست خارجی بر روابط خارجی پهلوی دوم در روابط خود با اتحاد جماهیر شوروی می‌کوشید تا گامی در جهت منافع ایران بردارد. به همین سبب، زمینه‌های همکاری و تعامل میان دو کشور افزایش یافت. در پژوهش حاضر بر مبنای چارچوب نظری الگوهای سیاست خارجی و همچنین با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی، روابط ایران و شوروی در این دوره بررسی می‌شود. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که هدف ایران از برقراری روابط تعاملی با اتحاد جماهیر شوروی چه بود؟ بر اساس اسناد، پهلوی دوم در این دوره مشی متفاوتی در سیاست خارجی را پیش گرفت و برخلاف گذشته که اقتدار چندانی در صحنه بین‌المللی نداشت و همواره در برابر سیاست‌های همسایه شمالی موضع انفعالی می‌گرفت، اینک ابتکار عمل را در دست داشت و در بسیاری از برهه‌ها سطح مناسبات را در زمینه‌های تجاری، علمی و فنی ارتقاء بخشید.

واژگان کلیدی

ایران، اتحاد جماهیر شوروی، پهلوی دوم، سیاست خارجی، الگوها

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۷/۱۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۹/۵

^۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد eslami.r@ferdowsi.um.ac.ir

^۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد akbari.za@mail.um.ac.ir

مقدمه

روسیه در طول تاریخ به خاک ایران چشم طمع داشته و در هر فرصتی به سرزمین ایران تجاوز کرده و معاهدات ترکمنچای و گلستان، شاهدهی بر این مدعاست (Deutschmann, 2015: 135). ایران به سبب مرز طولانی با شوروی، بخشی مهم از سیاست خارجی را طی سال‌های متمادی، مصروف امنیت کشور در برابر تحولات بالقوه مخرب همسایه شمالی کرد (اتکین، ۱۳۷۴: ۱۶۴). تا هنگام استقرار حکومت پهلوی، ایران در مقابل سیاست‌های روسیه عملاً در موضع انفعال قرار داشت، اما سلطنت پهلوی اول، روابط دو کشور را تغییر داد، زیرا رضا شاه همواره روس و انگلیس را به عنوان دو قدرت غیرقابل انکار در سیاست‌های ایران در نظر می‌گرفت. با آغاز جنگ جهانی دوم، ایران اعلام بی‌طرفی کرد، اما پس از حمله هیتلر به شوروی در ۱ تیر ۱۳۲۰ ایران نظر قدرت‌های جهانی را جلب کرد. حمله سنگین آلمان به شوروی ثابت کرد که بدون یاری انگلیس و آمریکا، بقای شوروی امکان‌پذیر نیست. به همین سبب، در ۳ شهریور ۱۳۲۰ متفقین ایران را به عنوان پل پیروزی اشغال کردند. کمتر از یک ماه بعد رضا شاه از سلطنت کنار گذاشته شد و پسرش جانشین او گردید (Moore, 2012: 10-12).

در سال‌های نخستین سلطنت پهلوی دوم، اختیار امور ایران در دست سفرای انگلیس و روس بود و آنها در ملاقات با شاه یا نخست‌وزیران وقت رسماً در امور داخلی ایران مداخله و امر و نهی می‌کردند. نخستین اقدام دولت فروغی تعیین سیاست خارجی جدید ایران بود، تا با اوضاع و احوالی که در نتیجه اشغال کشور پدید آمده بود، تطبیق کند. بدین ترتیب، دولت فروغی بنا به پیشنهاد متفقین، قراردادی در زمینه‌های دفاعی و اقتصادی با آنان منعقد کرد (امینی، ۱۳۸۱: ۷۶). در شهریور ۱۳۲۳ کافتارادزه معاون کمیساریای خارجه دولت شوروی، در رأس هیئتی شامل کارشناسان فنی و سیاسی وارد ایران شد. در مصاحبه‌های متعدد کافتارادزه با روزنامه‌نگاران، او مکرر بر این امر تأکید می‌کرد که وجود منابع نفتی در شمال شرقی ایران و همکاری این کشور با اتحاد جماهیر شوروی در استخراج این منابع، نتایج ثمربخشی برای هر دو کشور به بار خواهد آورد. از سوی دیگر، حضور روس‌ها در ایران، اوضاع سیاسی ایران را ناامن‌تر می‌کرد

(ازغندی، ۱۳۸۲: ۴۰۳-۴۰۲). ساعد نخست‌وزیر وقت ایران، در مقابل فشار شدید شوروی تقاضای نفت را رد کرد و در ۱۹ آبان ۱۳۲۳ استعفاء داد. مجلس شورای ملی در غیاب دولت، بنا به پیشنهاد دکتر مصدق، قانونی به تصویب رسانید که اعطای هرگونه امتیاز نفت به دول خارجی ممنوع گردید و تا هنگام حضور قشون خارجی در ایران، هر نخست‌وزیر یا وزیری که برخلاف آن عمل می‌کرد، مجرم شناخته می‌شد. تصویب این قانون موجب خشم شوروی شد، چنانکه چند روز بعد کافتارادزه بدون خداحافظی تهران را ترک کرد. از این زمان، شوروی نقشه جدیدی برای به دست آوردن نفت شمال طرح کرد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵: ۴۲۰).

بعد از آنکه کلیه مخاصمات با دولت آلمان خاتمه یافت، شوروی به سبب رد درخواست کسب امتیاز نفت از طرف ایران، نیروهای خود را از ایران بیرون نبرد (Cossa, 1990: 25). حکومت مرکزی ایران نیز تنها در پی استفاده از راه‌های دیپلماتیک برای رفع بحران با شوروی بود. به همین سبب، قوام همراه هیأتی در ۲۹ بهمن ۱۳۲۴ به مسکو رفت (Pye, 2015: 55). استالین پیشنهادی مهم به قوام داد؛ از جمله هماهنگ کردن سیاست خارجی ایران با شوروی، شناسایی رسمی حکومت خودمختار آذربایجان و اعطای امتیاز نفت شمال به دولت شوروی، اما قوام زیر بار این شرایط نرفت. در آخرین روز اقامت قوام در مسکو، استالین رویه دوستانه‌تری در پیش گرفت و حاضر شد شرایط خود را تعدیل کند؛ او به جای تقاضای امتیاز نفت شمال، پیشنهاد کرد شرکت نفت مختلط ایران و شوروی برای بهره‌برداری از نفت شمال تأسیس شود و قرار شد مذاکره برای امضای موافقت‌نامه میان دو کشور با سفیری که شوروی به ایران خواهد فرستاد، دنبال شود (Raine, 2001: 24). در پی ادامه مذاکرات در ایران، رادیو مسکو اعلام کرد که تخلیه نیروهای نظامی شوروی از مناطق شمال شرقی ایران به پایان رسیده است. قوام در مهر ۱۳۲۶ در مجلس شورای ملی حاضر شد و ضمن گزارش کامل علل امضای موافقت‌نامه با شوروی، اعلام کرد که برای بیرون راندن نیروهای روسی از ایران با قرارداد تشکیل شرکت مختلط نفتی ایران و شوروی موافقت کرده است. نمایندگان مجلس، موافقت‌نامه را مغایر منافع ملت ایران تشخیص دادند و آن را رد کردند. با رد موافقت‌نامه، دوره‌ای بحرانی در روابط ایران و شوروی آغاز

شد (محمدی، ۱۳۷۷: ۹۴-۹۱). این بحران تا نخست‌وزیری حاج علی رزم‌آرا ادامه یافت. رزم‌آرا برای رفع اختلافات دو کشور موفق شد با شوروی بر سر مسئله مورد اختلاف به توافق برسد (ازغندی، ۱۳۸۲: ۴۰۷).

وقتی مصدق مسئولیت تشکیل کابینه را برعهده گرفت، شوروی تبلیغات ضدحکومتی خود را قطع کرد و سیاست محتاطانه‌ای نسبت به حکومت مصدق در پیش گرفت (عطارزاده، ۱۳۷۸: ۱۷۳). شوروی حاضر نشد ۲۰ میلیون دلاری را که ایران از جنگ جهانی دوم در آن کشور داشت، به دولت بازپس بدهد؛ ایران هم با پایان دوره امتیازات شیلات در زمستان ۱۳۳۱ حاضر به تجدید آن نشد (فوران، ۱۳۷۷: ۴۳۹). با سقوط مصدق، روس‌ها برای گسترش روابط با ایران تمایل نشان دادند و آمادگی خود را برای حل‌وفصل مشکلات در روابط دوجانبه اعلام کردند (امینی، ۱۳۸۱: ۲۲۶). ایران در روابط با شوروی می‌کوشید از ملی‌گرایی مثبت پیروی کند. به همین سبب، در این دوره روابط خصومت‌آمیز میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی پایان یافت و زمینه‌های همکاری و تعامل میان دو کشور افزایش یافت (منتظری، ۱۳۹۳: ۷۴).

سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که هدف ایران در دوره پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۳۲ش.) از برقراری روابط تعاملی با اتحاد جماهیر شوروی چه بود؟ سپس چارچوب نظری پژوهش را بررسی می‌کنیم. در نهایت به واکاوی روابط ایران با اتحاد جماهیر شوروی در این دوره با استفاده از اسناد وزارت امور خارجه خواهیم پرداخت.

پیشینه پژوهش

ادبیات نسبتاً گسترده‌ای در زمینه روابط خارجی ایران و مناسبات بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی در دوران پهلوی دوم به رشته تحریر درآمده و ابعاد و وجوه مختلف این موضوع تجزیه و تحلیل شده است که آنها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول، شامل تألیفات و تحقیقات در زمینه روابط خارجی در دوران پهلوی دوم؛ مانند کتاب *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)* نوشته علی‌رضا ازغندی. در این کتاب فرایند تحولات اجتماعی ایران و عدم توازن رشد و توسعه سیاسی با این تحولات در سال‌های سلطنت پهلوی دوم تجزیه و تحلیل شده است. به نظر ازغندی، پیوند با

غرب در دوران پهلوی کم کم جای خود را به سیاست یک طرفه پیروی از سیاست جهانی آمریکا داد. حتی در سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۵ ش. سال‌های تنش‌زدایی که تهدید شوروی برای ایران از بین رفته بود، از تمایل ایران در گسترش پیوندهای اقتصادی و امنیتی و نزدیک‌تر با آمریکا به هیچ‌وجه کاسته نشد (ازغندی، ۱۳۸۲). به نوشته عبدالرضا هوشنگ مهدوی، در *سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰* ایران یکی از کشورهایی بود که استعمار نو را تجربه کرد. مؤلف در این کتاب دوران پهلوی را به سه بخش تقسیم کرده است: دوره اول دیکتاتوری بیست ساله رضاخان که کاملاً وابسته به غرب بود و به نظر مؤلف، چون وی می‌خواست پا از دایره نفوذ بریتانیا بیرون بگذارد، انگلیسی‌ها وی را از صحنه خارج کردند؛ دوره دوم دوران دموکراسی است که پس از استعفای رضاخان، انگلیسی‌ها ناچار شدند با استقرار دموکراسی موافقت کنند، اما دموکراسی نوپای ایران سرانجام در برابر کودتای نظامی از پای درآمد؛ دوره سوم، دیکتاتوری پهلوی دوم که به دنبال کودتای ۲۸ مرداد، با نقشه انگلیسی‌ها و پول آمریکایی‌ها، کشور را یک‌بار دیگر گرفتار دیکتاتوری و وابستگی کرد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۳). مؤلف کتاب *مروری بر سیاست خارجی ایران دوران پهلوی*، یا *تصمیم‌گیری در نظام تحت سلطه*، منوچهر محمدی بر این باور است که میزان تصمیم‌گیری دولت‌ها در سیاست خارجی، بستگی به میزان استقلال سیاسی آنها از دول خارجی دارد و دولت‌های مستقل دولتهایی هستند که رهبران‌شان بدون تأثیرپذیری از سایر دولت‌ها و تنها بر اساس اهداف خود تصمیم می‌گیرند. از نظر نویسنده، حاکمان ایران بعد از قتل آقامحمدخان وابسته به غرب بودند و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ باعث نفوذ بیش از پیش انگلستان و همچنین آغاز نفوذ آمریکا در ایران شد (محمدی، ۱۳۷۷). در کتاب *تاریخ روابط خارجی ایران در دوران پهلوی* اثر علی‌رضا امینی، وی روابط خارجی ایران در دوران زمامداری پهلوی اول تا اشغال نظامی ایران توسط متفقین در جنگ جهانی دوم و توافق انگلیس و شوروی در سلطنت پهلوی دوم را مطرح و همچنین روابط ایران با کشورهای جهان را بررسی کرده و بر این نظر است که ایران در دوران پهلوی کشوری وابسته بود (امینی، ۱۳۸۱). عبدالرضا هوشنگ مهدوی در مقاله "ارزیابی سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی دوم" به بررسی سیاست خارجی این دوره و آثار آن بر

تحولات سیاسی و اجتماعی ایران پرداخته است. به نظر وی، رابطه ایران با آمریکا به علت نقش آن کشور در پایان دادن به اشغال ایران و التیماتوم ترومن به استالین در باره تخلیه ایران، نزدیک تر شد و بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ایران به طور کامل به غرب تمایل یافت، زیرا پهلوی دوم می خواست از تهاجم شوروی در امان بماند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۰).

دسته دوم، پژوهش‌هایی را در برمی‌گیرد که به طور تخصصی به روابط بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی در دوران پهلوی دوم پرداخته‌اند؛ مانند کتاب *تاریخ روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی ۱۳۴۵-۱۳۲۵* نوشته محمود طاهر احمدی. این کتاب به بررسی شرایط، وضعیت و اقدامات ایران در جنگ جهانی دوم با تمرکز بر روابط دوجانبه با شوروی و مسائل مربوط به این کشور می‌پردازد. بخش اول کتاب مربوط به اقدامات کلی ایران در زمان جنگ جهانی دوم شامل پیروی از سیاست بی‌طرفی، بخش دوم به مسائل و مشکلات فیما بین ایران و شوروی در جنگ جهانی دوم و بخش‌های بعدی به فرازونشیب روابط دو کشور در دوران جنگ سرد می‌پردازد (طاهر احمدی، ۱۳۹۳). کتاب *روابط ایران و روسیه دربرگیرنده مجموعه مقالاتی است که به کوشش مهدی سنایی و جهانگیر کرمی جمع‌آوری شده است*. این کتاب به بررسی مبانی و موضوعات مختلف در روابط بین ایران و روسیه و تحولات آن پرداخته و مناسبات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و دوجانبه میان دو کشور را بررسی کرده است (سنایی؛ کرمی، ۱۳۸۷). کتاب *روابط خارجی ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۱: روایتی جدید از رویارویی آمریکا و شوروی در ایران*، نوشته کریستن بلیک، مطالعه‌ای در باره ریشه‌ها، تحولات و پایان رقابت شوروی و آمریکا در چارچوب جنگ سرد و تنش‌های ناشی از آن طی سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۲۰ ش. در ایران است و همچنین تأثیر این رقابت‌ها را بر تحولات اقتصادی و سیاسی کشور بررسی کرده است. تمرکز این کتاب بر روابط ایران و آمریکا و سیاست آمریکا نسبت به ایران است که عمدتاً برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم در ایران بوده است (بلیک، ۱۳۹۴). بنا بر کتاب *نه شرقی، نه غربی: روابط خارجی ایران با آمریکا و اتحاد شوروی*، نوشته ابراهیم متقی و الهه کولایی، رژیم پهلوی از سیاست اتحاد و ائتلاف با غرب پیروی می‌کرد و پیمان‌های نظامی گسترده و فراگیری با کشورهای

آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان به امضاء رساند، اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی جهت‌گیری سیاست خارجی ایران با ابعاد جدیدی هویت یافت: گرایش جمهوری اسلامی بر ایجاد شکل جدیدی از عدم تعهد بود (کدی، ۱۳۷۹). کتاب *تصور نخبگان روسیه از ایران؛ از گذشته تا کنون*، نوشته دمیتری شلاپنتوخ، شامل دیدگاه نخبگان سیاسی روسیه در رابطه با ایران است. از نظر نویسنده در طول تاریخ، دو رویکرد عمده در رابطه با ایران بر نخبگان روسیه غلبه داشته است: نخست، تأکید بر اهمیت استراتژیک روابط روسیه با ایران. این گروه روابط ایران و روسیه را به عنوان برگ چانه‌زنی در برخورد با غرب در نظر می‌گرفتند، اما در عین حال معتقد بودند که این اتحاد دائمی است. گروه دوم بر این نظر هستند که روسیه باید از ایران به عنوان برگ چانه‌زنی در برخورد با غرب و همچنین به عنوان شریک تجاری مناسب استفاده کند، اما ایران نمی‌تواند متحدی دائمی باشد (Shlapentokh, 2009). در مقاله "بررسی روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی در دوره پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۲۰) تعامل یا تقابل؟" نوشته حمیدرضا منتظری، به نظر مؤلف، در روابط دوجانبه ایران و روسیه همواره نشانه‌هایی از تنش، بی‌اعتمادی و ابهام وجود داشته؛ اما با این همه، زمینه‌های همکاری در روابط ایران و شوروی در مقطع تاریخی ۱۳۵۷-۱۳۲۰ ش. در حوزه‌های مختلف افزایش یافته است (منتظری، ۱۳۹۳). در مقاله "روابط میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی در دوره سلطنت محمدرضا پهلوی"، نوشته مایکل په، مؤلف استدلال می‌کند که مسیر روابط خارجی پهلوی دوم بر ضرورت حفاظت کشور در برابر اتحاد جماهیر شوروی شکل گرفت و نگرانی سیاستمداران ایران نتیجه واقعی تاریخ دردناکی بود که به طور قابل ملاحظه‌ای از طریق فعالیت‌های عناصر کمونیست در مرزهای داخل و خارج ایران تقویت می‌شد (Pye, 2015). ریچارد هرمن در مقاله "نقش ایران در ادراکات و سیاست‌های اتحاد جماهیر شوروی ۱۹۸۸-۱۹۶۴ م."، بر این باور است که سیاست شوروی در برابر دولت ملی‌گرای مصدق و همچنین سیاست‌های آن در برابر شاه یا نظام اسلامی، که از غیردوستانه تا دوستانه در تغییر بوده، با مفروضات الگوی دوقطبی قابل درک نیست. از نظر وی، سیاست شوروی در برابر ایران بسیار متغیرتر و تجربی‌تر از آن بوده است که تصویر معمولی ارائه شده مبتنی بر اهداف صریح سلطه‌جویی، نشانگر آن

باشد (هرمن، ۱۳۷۴). در مقاله "بررسی روابط ایران و شوروی در دوره حاکمیت کمونیسم" نوشته مجتبی عطارزاده، نویسنده سیر مناسبات ایران و شوروی از انقلاب اکتبر تا مقطع فروپاشی را بررسی کرده و بر این نظر است که با وجود پیروی ایران از اهداف سیاسی- نظامی غرب در مواجهه با شرق، جو حاکم بر مناسبات دو کشور ایران و شوروی، تعاملی همراه با صبر و انتظار بوده است (عطارزاده، ۱۳۷۸). مقاله دیگر "پیمان بغداد و تأثیر آن بر روابط ایران و شوروی" نوشته محمود طاهراحمدی است. وی در این مقاله ضمن تشریح پیمان بغداد و واکنش تند اتحاد جماهیر شوروی به آن، بر این باور است که پهلوی دوم با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به قدرتی متمرکز و تمامیت خواه دست یافته بود؛ او برای برطرف کردن تیرگی روابط با همسایه شمالی همه کوشش خود را به کار برد و سیاستمداری کارگشته و آشنا به زبان و فرهنگ روسی را به سفیر کبیری ایران در مسکو گماشت (طاهراحمدی، ۱۳۸۵). در مقاله "ایران: منافع شوروی، علایق ایالات متحده"، نوشته رالف کوسا، مؤلف چشم اندازی تاریخی از روابط بین دو کشور از توسعه روسیه قبل از ۱۸۰۰ و همچنین توسعه این کشور در قرن ۱۹ ارائه داده است و در نهایت به بررسی نفوذ شوروی در قرن ۲۰ و گسترش حضور این کشور در ایران و تأثیر آن بر روابط دو کشور پرداخته است (Cossa, 1990). موریل اتکین در مقاله "اسطوره‌های روابط ایران و شوروی" تحلیل سیاست خارجی روسیه را بر اساس افسانه‌های نادرست تاریخی مردود دانسته و توجه سیاستمداران روسی به راه‌های آبی را که در منابع تاریخی به توسعه طلبی روسیه مربوط شده، ضرورتی مربوط به دوران پیش از گسترش خطوط راه آهن خوانده است. وی همچنین افسانه‌های موجود در تحلیل روابط ایران و روسیه را فاقد پایه و اساس تاریخی و علمی دانسته است (اتکین، ۱۳۷۴). در مقاله "بحران همکاری: تحلیلی انتقادی از روابط ایران و روسیه در دوران پسا اتحاد جماهیر شوروی" نوشته اریک مور، نویسنده ضمن بررسی تاریخچه روابط دوجانبه ایران و روسیه در دوران شوروی و پسا شوروی، رویکرد جدیدی را برای بررسی تغییرات همکاری روسیه و ایران معرفی کرده است. به نظر وی، همکاری بین این دو کشور در سه سطح تجارت سلاح‌های متعارف، همکاری در توسعه هسته‌ای ایران و سطح توافق در باره مسائل دریای خزر است (Moore, 2012).

تمايز مقاله پیش‌رو با پژوهش‌های پیشین در این است که اولاً تاکنون، با استفاده از اسناد وزارت امور خارجه، روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی در دوران پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۳۲ ش.) بررسی نشده است؛ ثانیاً اکثر پژوهشگران بر این باورند که ایران در این دوره کاملاً به غرب وابستگی داشته و هدفش از همکاری با شوروی، جلوگیری از اخلاص در امنیت منطقه‌ای بوده است. نگارندگان بر این نظر هستند که ایران علاوه بر ارتباط با غرب از جمله آمریکا، با اتحاد جماهیر شوروی هم روابط مسالمت‌آمیز و دور از تنش داشته است.

دبیاچه روش‌شناختی: تحلیل محتوای کیفی

تحلیل محتوا از جمله روش‌های مرسوم برای مطالعه دقیق و نظام‌مند انواع متون است و در تمامی شاخه‌های علوم اجتماعی کاربرد دارد. اگر بیرون کشیدن محتوای یک متن، نوعی گردآوری داده‌ها در نظر گرفته شود، تحلیل محتوا می‌تواند در زمره روش‌های گردآوری اطلاعات نیز به شمار رود و تنها روشی برای تحلیل متون و اسناد موجود پنداشته نشود. منظور از محتوا انواع واحدهای انتقال پیام، اعم از واژه‌ها، معانی، نمادها، تصاویر مانند اینها در یک متن است. متن نیز به معنای هرگونه نوشته، گفتار یا تصویری است که به عنوان وسیله‌ای برای ارتباط به کار می‌رود. بنابراین، متون گوناگون ممکن است نوشتاری، دیداری، شنیداری یا آمیزه‌ای از آن باشند. با وجود آن که ممکن است تحلیل محتوا از نوع کیفی باشد، در انواع رایج‌تر تحلیل محتوا، پژوهشگر از رویه‌های عینی و نظام‌مند برای ثبت داده‌ها و شمارش یا اندازه‌گیری آن استفاده می‌کند؛ به همین سبب، این روش اساساً روش کمی محسوب می‌شود. پژوهشگری که تحلیل محتوا را به مثابه روشی کیفی به کار می‌برد، به جای تمرکز بر محصول نهایی یا پیام‌های تولید شده، بر فرآیند تولید پیام‌ها یا مضمون اجتماعی ساخت متون تأکید می‌کند و مؤلف یا تولیدکننده پیام را فاعل خودآگاهی در نظر می‌گیرد که در شرایط خاصی مخاطبانی را مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین، وظیفه تحلیلگر خواندن متن بر اساس نمادهای موجود در آن است (سیدامامی، ۱۳۸۶: ۳۷۹-۳۷۷).

در علوم سیاسی، پژوهشگر زمانی به تحلیل محتوا می‌پردازد که پیشینه پیام‌های مربوط به آن دسته از بازیگران سیاسی که پژوهشگر مایل به مطالعه آنهاست، به طور مادی در دسترس او باشد. منظور از این پیشینه، مطالب مندرج در باره سیاست یا سیاستمداران در کتاب‌هاست و جزوه‌ها، مجله‌ها، روزنامه‌ها، صفحه‌های گرامافون، نوارهای ضبط صوت و ویدئو، عکس‌ها، صورت جلسه‌ها یا مذاکرات، اسناد دولتی، یادداشت‌های غیررسمی، فیلم‌ها، مکاتبات دیپلماتیک و دستورالعمل‌ها، پوستره‌های سیاسی، تبلیغات سیاسی، سخنرانی‌ها و حتی نامه‌ها و خاطرات؛ ممکن است برخی از این پیشینه‌ها بسیار مفصل و دقیق باشند و برخی دیگر کمتر. بسیاری از این پیشینه‌ها مستقل از روند پژوهش به وجود آمده‌اند، در حالی که برخی دیگر را خود پژوهشگر باید پدید آورد، اما همه منابع داده‌های مناسب برای تحلیل محتوایی یک وجه مشترک دارند و آن وجود پیشینه‌ای مادی از این پیام است. هرگاه چنین پیشینه‌ای وجود داشته باشد یا بتوانیم آن را به وجود آوریم، می‌توانیم از تحلیل محتوایی به عنوان روشی مناسب استفاده کنیم (مانهایم؛ ریچ، ۱۳۷۷: ۲۸۱-۲۸۰).

نگارندگان پژوهش حاضر برای بررسی روابط ایران با اتحاد جماهیر شوروی در دوره پهلوی دوم از اسناد وزارت امور خارجه بهره برده‌اند. سند جایگاه بسیار والایی در پژوهش‌های تاریخی دارد (Lucas, 1981: 228) و برخی از متفکران، تاریخ را آمیزه‌ای از مطالعه اسناد مکتوب و تفسیر مطالب آن در پرتو شواهد دیگر و تحلیل مورخ دانسته‌اند؛ زیرا تحقیقات تاریخی، مبتنی بر داده‌هایی است که مشاهده آن به جای شخص محقق، از سوی دیگران صورت گرفته است. بنابراین، گردآوری داده‌های مطلوب به مطالعه و بازرسی دقیق و موشکافانه منابعی منوط است که وثوق، دقت روایی و اهمیت این داده‌ها را تجزیه و تحلیل کرده باشد تا از داده‌های نامنظم، غیرقابل اعتماد یا متعصبانه متمایز شود (ایزاک، ۱۳۷۴: ۵۴).

دیباجه نظری: الگوهای سیاست خارجی

سیاست خارجی به این معناست که دولت به عنوان نهادی اجتماعی در دو محیط قرار دارد: از یک سو، محیط داخلی است، متشکل از همه نهادهای دیگر واقع در قلمرو

مشخص شده دولت و تعاملات آنها با یکدیگر و از سوی دیگر، محیط خارجی، متشکل از همه دولت‌های دیگر و تعاملات آنها با محیط و یکدیگر. نظریه روابط بین‌الملل متعارف فرض می‌کند که دولت پیوسته درگیر کوشش برای مداخله در هر دو محیط است؛ یعنی در سیاست داخلی و خارجی (براون؛ اینلی، ۱۳۹۱: ۱۰۱). در تعریفی دیگر، سیاست خارجی عبارت است از تصمیم‌ها، کنش‌ها و اقدامات یک کشور در قبال سایر بازیگران و محیط بین‌المللی (رینولدز، ۱۳۸۰: ۶۳) که بر پایه طرح و برنامه و راهبردی از پیش تعیین شده، از طریق تصمیم‌گیرندگان برای تأمین اهداف مشخص و معین صورت می‌گیرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۲۱). به بیان دیگر، سیاست خارجی متشکل از اهداف، استراتژی‌ها، تدابیر، روش‌ها، دستورالعمل، رهنمودها، برداشت‌ها و توافق‌هاست (خوشوقت، ۱۳۷۵: ۱۴۵). همه دولت‌ها به واسطه این حقیقت صرف که موجودیت جدای بین‌المللی دارند، به سیاست خارجی راهبردی در قبال دولت‌های دیگر و سایر بازیگران بین‌المللی متعهد هستند. دولت‌ها به دنبال تأثیرگذاری بر فعالیت‌های سایر بازیگرانی هستند که نمی‌توانند آنها را کنترل کنند، زیرا که این بازیگران خارج از چارچوب حاکمیتی آنان قرار دارند و فعالیت می‌کنند. مدیریت روابط خارجی مستلزم طرح‌های کاملاً دقیق عملی است که باید با منافع دولت منطبق باشد (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۴: ۳۹۳-۳۹۲)؛ به همین سبب، در سیاست خارجی، فرد تصمیم‌گیرنده باید یک گزینه را از میان سایر گزینه‌ها انتخاب کند و این انتخاب باید بر مبنای الگویی مشخص صورت پذیرد. در ادامه به بررسی دو مورد از الگوهای سیاست خارجی در دوره پهلوی دوم می‌پردازیم:

به نظر شاه، سیاست بی‌طرفی منفی در سال‌های نهضت ملی کردن صنعت نفت به هیچ وجه برای ملک و ملت سودی نداشت؛ هم عقیم بود و هم منفی. در مقابل، ملی‌گرایی مثبت سیاستی خلأقانه و با حسن سلوک است. به باور شاه، ملی‌گرایی دو نوع است: «ملی‌گرایی حقیقی و ملی‌گرایی غیرحقیقی، ملی‌گرایی غیرحقیقی که یکی از اجزای موازنه منفی را تشکیل می‌داد، مایه عقب‌ماندگی و بدبختی جامعه ایرانی و موجب ایجاد تفرقه و بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی است، در حالی که پیروی از ملی‌گرایی حقیقی، کشور را به ترقی و پیشرفت‌های شگرف هدایت می‌نماید. در واقع ملی‌گرایی

مثبت چه از جنبه نظری و چه از بُعد کارکردی، با استراتژی اتحاد و ائتلاف سازگاری بیشتری دارد تا استراتژی بی طرفی یا عدم تعهد» (ازغندی، ۱۳۸۲: ۳۸۶-۳۸۵). شاه در جایی دیگر در ربط با استراتژی اتحاد گفته است: «من همواره صراحتاً گفته‌ام که سیاست خارجی ما تنها در خدمت مصالح ایران بود، اما بدیهی است که مصلحت ایران ایجاب می‌کند که همسایگان ما پیوسته در حالت صلح و ثبات بسر ببرند. به همین سبب پیوسته به سیاست حسن همجواری عمل کردم و تا جایی که می‌توانستم از یاری با آن دریغ نوزیدم. باز به همین دلیل است که عقیده داشتیم که باید در سیاست خارجی خود اصل تعادل میان دنیای غرب، اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای اروپای شرقی و جمهوری خلق چین را مراعات نماییم» (پهلوی، ۱۳۷۱: ۲۷۷-۲۷۶).

سیاست مستقل ملی به این معناست که هر دولتی می‌کوشد از دخالت دولت‌های دیگر در امور داخلی خود جلوگیری کند و کشورش را از تعرضات خارجی مصون نگاه دارد و هویت خود را حفظ کند (قوام، ۱۳۷۰: ۱۴۰). به گفته پهلوی دوم: «در سیاست مستقل ملی مانند ملی‌گرایی مثبت، تأکید اصلی بر لغت ملی است؛ بدین معنی که می‌بایست در هر صورت و تحت هر شرایط جهانی، پایتخت خود ما خاستگاه تمام تصمیمات مربوط به امور ملی و بین‌المللی و داخلی و خارجی ما باشد و سرنوشت کشور به طور کامل و قاطع در مراجع تصمیم‌گیری خود آن تعیین شود. پهلوی دوم در جایی دیگر در این زمینه گفته است: «برای ما وصول به تمدن بزرگ در درجه اول، انتخاب بهترین دستاوردهای تمدن‌های دیگر بود، ولی عقیده داشتیم که برای این کار باید هویت ملی خود را حفظ کنیم. عقیده داشتیم باید ایرانی بمانیم تا بتوانیم از پیشرفت‌های دیگران بهره گیریم» (پهلوی، ۱۳۷۱: ۲۵۶).

اسناد وزارت امور خارجه

چنانکه گذشت، سیاست خارجی در دوران پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۳۲ش.) شامل دو الگوی ملی‌گرایی مثبت و سیاست مستقل ملی بود. بر این اساس، در این بخش با استفاده از این الگوها به بررسی اسناد وزارت امور خارجه می‌پردازیم.

الف- سیاست موسوم به مّلی‌گرایی مثبت (۱۳۵۰-۱۳۳۲ش.): در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ایران خود را نیازمند سیاستی می‌دید که در روابط با غرب و اتحاد شوروی، بقای او را بدون بازگشت به دیپلماسی منفی دکتر مصدق تضمین کند. در این حال، ایران به این نتیجه رسید که ضمن مهار تهدید کمونیسم، از شوروی دور نماند و همزمان در جهت پیشبرد منافع کشور از فناوری و سرمایه آن کشور استفاده کند. در مقابل، نگرش رهبران اتحاد جماهیر شوروی هم بعد از مرگ استالین و در ماه‌های آخر صدرات مصدق حالت دوستانه‌تری به خود گرفت و حتی از حمایت حزب توده نیز دست برداشتند. بنا بر اسناد موجود در وزارت امور خارجه، ایران در تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۳۴ در پاسخ به یادداشت ۱۴ آذر ۱۳۳۴ دولت اتحاد جماهیر شوروی مبنی بر اینکه الحاق ایران به پیمان نظامی بغداد برخلاف مبانی تحکیم صلح و امنیت است و در اجرای مقاصد سیاست دول استعماری مساعدت می‌کند و با روابط حسن همجواری ایران و اتحاد جماهیر شوروی مغایرت دارد، اظهار داشت:

«برخلاف نظر دولت شوروی پیمان بغداد کاملاً با مقاصد سازمان ملل متحد در حفظ صلح بین‌المللی و امنیت و توسعه دوستانه ملل منطبق بوده و به هیچ وجه با نظریه دولت شوروی که مقصود از آن را ایجاد بلوک نظامی تعبیر نموده‌اند موافقت ندارد و ثبت پیمان در دبیرخانه سازمان بهترین دلیل مؤید این نظر است. دولت ایران به شهادت تاریخ گذشته طولانی خود همیشه به تعهدات بین‌المللی خویش وفادار بوده و آنها را صمیمانه محترم شمرده است. پیمان بغداد به هیچ وجه بر علیه دولت شوروی نبوده و فقط به منظور دفاع و جلوگیری از تجاوز منعقد گشته و مغایرتی با فصل ۳ عهدنامه تأمینیه و بی‌طرفی ایران- شوروی ندارد و نظیر همان پیمان‌هایی است که دولت شوروی با دول هم پیمان خود بسته است. دولت ایران ائتلافی بر علیه دولت اتحاد جماهیر شوروی سراغ ندارد تا الحاق به آن نقض عهد شمرده شود. دولت ایران هرگز پیمان‌شکنی و نقض عهد ننموده و هیچ وقت در صدد تعرض و حمله به دولتی برنیامده است. دولت ایران در تحکیم مبانی مودت بین دو کشور کمال علاقه را داشته و در

تشدید و تقویت آن از هیچ نوع بذل مجاهدتی فروگذار ننموده و نخواهد نمود»
(آرشیو وزارت امور خارجه، سند شماره: 14-13-11-P1334-K244-SH1334).

با این همه، پهلوی دوم برای رفع تیرگی روابط ایران و شوروی، مسعود انصاری سیاستمدار کارگشته و آشنا به زبان و فرهنگ روسی را به سفیرکبیری ایران در مسکو گماشت. انصاری در آذر ۱۳۳۴ رهسپار مسکو شد و بی‌درنگ در ۲۹ آذر به دیدار مولوتف وزیر امور خارجه شوروی شتافت. مولوتف در این دیدار، انصاری را به سردی پذیرفت و با لحن گلایه‌آمیزی، سبب ورود ایران به پیمان بغداد را جویا شد و اینکه چرا دولت ایران به دوستی خود با اتحاد شوروی ارج ننهاده است (Pye, 2015: 92). انصاری در پاسخ کوشید مقامات شوروی را متقاعد کند که پیمان بغداد فقط پیمانی دفاعی است و از الحاق ایران به آن پیمان، امنیت شوروی به خطر نمی‌افتد. وی پس از دیدار با مولوتف، برای تقدیم استوارنامه خود به حضور مارشال وارشیلف صدر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی رسید و در سخنانی کوتاه تأکید کرد که تمامی مساعی خود را برای توسعه هر چه بیشتر روابط دوستانه کشورش با اتحاد جماهیر شوروی به کار خواهد برد (طاهر احمدی، ۱۳۸۵: ۳۷). علاوه بر این، سفارت کبرای ایران در ۱۲ فروردین ۱۳۳۵ در باره نگرانی اتحاد جماهیر شوروی از بابت الحاق ایران به پیمان بغداد، برای وزارت امور خارجه شوروی نوشت:

«دولت ایران بار دیگر مؤکداً اعلام می‌دارد که سیاست نکوهیده و زدوبندهای ناپسندیده نداشته که در صدد تبرئه سیاست خود برآید. دولت شاهنشاهی لازم می‌داند بار دیگر یادآور شود که پیمان بغداد با اتکاء دستور ماده ۵۱ منشور ملل متحد مسلماً به منظور دفاع به وجود آمده و هیچ نوع قصد تجاوز در آن نیست و در تحکیم مبانی صلح و امنیت در خاورمیانه و مآلاً در حفظ صلح جهانی عامل مؤثری می‌باشد. دولت شاهنشاهی ایران هرگز به مقاصد دول استعماری مساعدت نکرده و نمی‌کند و همواره با استعمار به هر صورت و شکلی که درآمده و درآید مبارزه نموده و خواهد نمود و به همین لحاظ است که دولت شاهنشاهی یادداشت‌های دولت اتحاد جماهیر شوروی را در باره مشی سیاسی که بنا بر مصالح عالی کشور اتخاذ نموده نوعی از مظاهر

همان افکار می‌داند و چون دخالت بیینی در امور ایران است نمی‌تواند بپذیرد. دولت شاهنشاهی همیشه به تعهدات خود پایبند و وفادار بوده و هست و هرگز برخلاف استقلال و حاکمیت خویش تعهدی ننموده و نخواهد نمود. بنابراین الحاق به پیمان دفاعی بغداد که بر علیه هیچ کشوری نیست و فقط به منظور دفاع از هرگونه تجاوز است حقی است طبیعی و منطبق با اصول منشور سازمان ملل متحد و برخلاف هیچ قرارداد و تعهدی محسوب نمی‌شود. به طوری که همواره تذکر داده شده است دولت شاهنشاهی به تحکیم و تشدید مبانی مودت بین دو کشور کمال علاقه را دارد. دولت شاهنشاهی ایران لزوماً متذکر می‌شود که الحاق ایران به پیمان دفاعی بغداد به هیچ وجه من‌الوجه خطری برای مرزهای اتحاد جماهیر شوروی ایجاد ننموده است و اطمینان می‌دهد که این الحاق امکاناتی برای استفاده از خاک ایران بر علیه خاک شوروی به وجود نیاورده و نخواهد آورد. دولت شاهنشاهی معتقد است که تعهدات ناشیه از این پیمان به هیچ وجه من‌الوجه در تشدید مبانی مودت و توسعه روابط اقتصادی با دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که کمال علاقه را به آن داریم نباید خللی وارد آورد» (همان، سند شماره: SH1334-K244-P1334.11-3-4).

مدتی بعد از رفع کدورت‌ها، مارشال کلمنتی و اراشیلوف صدر هیأت رئیسه شورای عالی شوروی، شاه را رسماً به این کشور دعوت کرد. پهلوی دوم نیز که به سبب شرکت نکردن آمریکا در پیمان بغداد، از ماندن در آن پیمان خشنود نبود و آن را برای ایران بی‌هوده می‌دانست و برای خروج از آن پیمان، در پی بهانه بود و از سوئی می‌دانست که ایران باید با همسایه شمالی روابط خوب داشته باشد، به رغم خشم و ناراحتی آمریکایی‌ها از نزدیک شدن ایران به شوروی، دعوت روس‌ها را پذیرفت. سفر شاه به مسکو، تشنج سیاسی میان دو کشور را زدود و فصل تازه‌ای در تاریخ روابط ایران و شوروی گشود. چندان که بعد از این سفر، برای رفع کشمکش‌های مرزی و تسویه مطالبات ایران، تفاهم‌نامه‌ای به امضاء رسید. بر اساس این تفاهم‌نامه، حدود دو کشور در طول ۲۰۰۰ کیلومتر به طور دقیق تعیین شد و بدین ترتیب، منازعاتی که در بیش از یک سده همچنان ادامه داشت، پایان یافت

(طاهراحمدی، ۱۳۸۵: ۳۸). دکتر اردلان وزیر امور خارجه، در مصاحبه ۳ اردیبهشت ۱۳۳۶ در باره توسعه روابط با اتحاد جماهیر شوروی گفت:

«پس از آنکه کلیه امور مربوط به علامت‌گذاری و تجدید علامت‌گذاری مرز دولتی بین ایران و شوروی در طول قریب ۲۰۰۰ کیلومتر پایان یافت لازم بود که اسناد نهایی راجع به آن به امضاء برسد. با آقای کوزنیتسف در باب مسائل مختلف مربوط به روابط دو کشور مذاکراتی به عمل آمد. در این مذاکرات طرفین متفق‌القول بودیم که پایان علامت‌گذاری مرز و امضای اسناد و پروتکل نهایی موجب می‌شود تا اختلافات و سوء تفاهمات مرزی که متجاوز از یک قرن پیش داشتیم برطرف گردد و به علاوه انجام این کار مسلماً در توسعه و تحکیم روابط حسنه فیما بین کمک مؤثر خواهد کرد. در باب موافقت‌نامه ترانزیت نیز صحبت کردیم. البته می‌دانید که به موجب ماده ۱۰ قرارداد بازرگانی ۱۳۱۹ طرفین حق ترانزیت را برای یکدیگر شناخته‌اند، منتهی از لحاظ سنگینی تعرفه شوروی و قیود دیگری که در ماده مذکور ذکر شده بود به کار بردن آن را مقرون به صرفه تجار نبود و از آن استفاده نمی‌کردند. اینک دولت شوروی این قیود را مرتفع و تسهیلات و تخفیفاتی نیز در تعرفه راه آهن پیشنهاد کرده است و هیأت مختلطی از طرفین در تهران مشغول مطالعه و مذاکره هستند و امیدوارم به زودی به نحو رضایت‌بخشی موافقت نهایی حاصل شود. بنابراین امر ترانزیت از راه شوروی مسأله تازه‌ای نیست و در قرارداد ۱۳۱۹ پیش‌بینی شده بوده منتهی اکنون اصلاحاتی در آن به نفع ما می‌شود. در آخر باید بگویم دولت ایران از مسافرت آقای کوزنیتسف و هیأت نمایندگی شوروی به ایران بسیار خوش‌وقت است و امیدوارم همکاری صمیمانه و حسن تفاهم و احترام متقابل موجود روز به روز توسعه یابد و روابط حسنه فیما بین تشدید و تحکیم شود» (همان، سند شماره: SH1335-K280-P193-37-39).

در سال ۱۳۳۷ ش. به سبب انقلاب عراق و نفوذ چشمگیر شوروی در افغانستان سیاستمداران ایران دچار هراس و نگرانی شدند که مبادا در محاصره متحدان شوروی قرار گیرند و بهترین راه را برای تضمین امنیت، بهبود مناسبات با شوروی یافتند. در این

شرایط اختلافات بین دو کشور به سرعت جای خود را به تفاهم داد، چنانکه سفیر ایران در شوروی در نطق ضیافت به افتخار ورود هیأت پارلمانی ایران به اتحاد جماهیر شوروی گفت:

«در این مدت نسبتاً قلیلی که از آغاز این دوره نوین دوستی و یگانگی می‌گذرد ما شاهد موفقیت‌های زیادی در این راه بوده‌ایم و برای نمونه می‌توان حل‌وفصل قضایای مرزی و انعقاد قرارداد ترانزیت را نام برد. قدم‌های درخشانی که در روابط بین دو کشور ما برداشته شده و حسن نیتی که در تمام شئون روابط دوستی و همسایگی دو کشور دیده می‌شود مؤید آن است که در آینده روابط حسن همجواری و دوستی دو کشور روز به روز مستحکم‌تر شده و کشور ایران می‌تواند از موفقیت‌های درخشانی که در تمام شئون نصیب کشور اتحاد جماهیر شوروی شده و فرهنگ و علوم درخشان این همسایه بزرگ استفاده نماید. کشور ایران با شواهد گوناگون ثابت نموده است که همواره پشتیبان صلح و صفا بوده و خواستار آن است که در سایه دوستی و مودت با تمام کشورها به خصوص همسایگان خود خاصه همسایه بزرگ شمالی یعنی کشور اتحاد جماهیر شوروی برنامه‌های عمرانی که برای بهبود و ترقی وضع زندگانی مردم تهیه شده است اجرا نماید. ملت ایران در این راه به موفقیت‌های زیادی نائل آمده و این دوستی و نزدیکی بین دو کشور که اکنون با کمال مسرت شاهد آن می‌باشیم یکی از مظاهر همین سیاست مدبرانه است و ما اطمینان داریم که با پیروی از این سیاست که به نفع هر دو کشور دوست و همسایه بوده و با مبادله هیأت‌های مختلف و رفت و آمدهای دوستانه روز به روز حسن تفاهم و دوستی ما محکم‌تر خواهد شد» (همان، سند شماره: SH1337-K252-P5059-14-15).

دولت ایران در سال ۱۳۴۱ در اعلامیه‌ای به دولت شوروی اطمینان داد که هیچ کشوری حق داشتن پایگاه موشکی در خاک ایران را نخواهد داشت و دولت اتحاد جماهیر شوروی در استقبال از این اعلامیه، در جریان قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به نفع شاه موضع گرفت. علاوه بر این، علل دیگر انعطاف شوروی نسبت به ایران را باید در مطالعه و تحولات بین‌المللی آن زمان جست‌وجو کرد. با عقب‌نشینی اتحاد جماهیر

شوروی در برابر آمریکا در پی واقعه خلیج خوک‌ها و برچیده شدن پایگاه‌های شوروی از کوبا، جنگ سرد آمریکا و شوروی جای خود را به مذاکرات دوستانه و همزیستی داد (عطارزاده، ۱۳۷۸: ۱۷۸). بی‌تردید تنش‌زدایی ابرقدرت‌ها بر روابط ایران و شوروی هم تأثیر خاصی داشت: از سال ۱۳۴۲ش. نه فقط روابط ایران و اتحاد شوروی رو به گسترش نهاد، بلکه به سبب حمایت شوروی از ایران، روابط از چارچوب مبادلات بازرگانی درآمد و مرحله جدیدی از همکاری‌های اقتصادی، فنی و فرهنگی میان دو کشور آغاز شد. برای نمونه در ۵ مرداد ۱۳۴۲ ایران و شوروی، در تهران موافقت‌نامه همکاری اقتصادی امضاء کردند:

«طبق این موافقت‌نامه اتحاد جماهیر شوروی به ایران برای ایجاد ایستگاه هیدروالکتریک روی رودخانه ارس کمک می‌نماید. از این گذشته پانزده سیلو و کارخانه تکثیر ماهی و لایروبی مرداب بندر پهلوی در بحر خزر طبق این موافقت‌نامه صورت می‌گیرد. چهار ماه بعد قرارداد ترانزیت بسته می‌شود. بنابراین قرارداد امتیازاتی برای حمل کالای ایران از قلمرو شوروی منظور گردید» (آرشیو وزارت امور خارجه، سند شماره: SH1341.45-K301-P5767-135-136).

روابط ایران و شوروی پس از فرازونشیب‌های بسیار، سرانجام به نوعی همزیستی مسالمت‌آمیز انجامید، به طوری که دو کشور و به ویژه ایران، خواهان گسترش روابط در تمام زمینه‌ها بودند. برای نمونه آدمیت سفیر کبیر ایران در باب مذاکرات عالی‌خان‌ی وزیر اقتصاد با پاتولیچف وزیر تجارت خارجی اتحاد جماهیر شوروی، در نامه‌ای محرمانه برای هیراد رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی نوشت:

«مهم‌ترین مسأله‌ای که در مذاکرات آقای پاتولیچف با آقای عالی‌خان‌ی، از طرف آقای عالی‌خان‌ی به میان آورده شد و با اصرار و تأکید مورد تشریح قرار گرفت، این بود که چرا شوروی‌ها ترانزیت خود را از راه خرمشهر شروع نمی‌کنند. آقای دکتر عالی‌خان‌ی توضیح می‌دادند و تقاضا می‌کردند که شوروی تجارت خود را با ژاپن از راه ایران و خرمشهر انجام دهد و همین‌طور با هند و پاکستان و شرق دور. جناب آقای دکتر اصرار می‌فرمودند که ما دستور اکید داده‌ایم که برای حمل و انبارداری و بارگیری و باراندازی و خلاصه همه امور

بندری تقدم مخصوص و استثنایی برای کالاهای ترانزیتی شوروی قائل شوند»
(همان، سند شماره: SH1341.45-K297-P5704-15).

در سندی دیگر نیز وزارت امور خارجه ایران در زمینه افزایش چند راه ترانزیتی برای سفارت اتحاد جماهیر شوروی نوشت:

«بر طبق اطلاع واصل از وزارت اقتصاد در حال حاضر تراکم شدید کالا در جلفای ایران به وجود آمده و این نقطه مرزی با وجود تلاش زیادی که به عمل آمده است قادر به قبول تمام کالاهای وارداتی که از طریق اتحاد شوروی به ایران حمل می‌شود، نمی‌باشد. وزارت اقتصاد امکان استفاده از نقاط مرزی آستارا و باجیگران و همچنین ایجاد نقطه ثالثی در لطف‌آباد را به منظور تقسیم کالاهای ترانزیتی وارده در چهار نقطه و کاهش تراکم در جلفا با مقامات بازرگانی و حمل‌ونقل شوروی در تهران مورد مذاکره قرار داده است. موجب امتنان وزارت امور خارجه شاهنشاهی خواهد بود، چنانچه موضوع ایجاد چند راه ترانزیتی جدید پیشنهادی وزارت اقتصاد را به اطلاع مقامات مربوطه اتحاد شوروی رسانیده و ترتیبی اتخاذ فرمایند تا نمایندگان رسمی ایران و شوروی در باره چگونگی امر و احتمال امضای پروتکلی در این باب هر چه زودتر وارد مذاکره شوند» (همان، سند شماره: SH1341.45-K301-P5763-11).

علاوه بر این، دولت‌های ایران و اتحاد جماهیر شوروی در زمینه ترانزیت کالا، که حق حمل‌ونقل دوجانبه را به هر دو کشور می‌داد، در ۶ آذر ۱۳۴۲ موافقت‌نامه‌ای امضاء کردند. به استناد ماده ۶ موافقت‌نامه دولت شاهنشاهی ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی در باره ترانزیت (۵ اردیبهشت ۱۳۳۶) بین شرکت سهامی معاملات خارجی ایران در تهران که برای اجرای عملیات مربوط به ترانزیت کالا در قلمرو کشور شاهنشاهی ایران اختیار داشت و در این قرارداد "معاملات خارجی" نامیده می‌شد، از یک طرف و "سایوزونش ترانس" در مسکو، با اختیارات برای اجرای عملیات مربوط به ترانزیت کالاها در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی، در ۶ آذر ۱۳۴۲ توافق شد:

«معاملات خارجی سفارشات مربوط به انجام عملیات حمل و نقل و کلیه تشریفات (از قبیل گمرکی، بندری و...) ترانزیت کالاهای صادراتی و وارداتی شوروی در قلمرو ایران که به طریق ترانزیت از ایران به کشورهای ثالث یا از کشورهای ثالث با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی حمل می‌شود از سایوزونش ترانس و همچنین از سازمان‌های دولتی و اقتصادی شوروی قبول خواهد نمود. سایوزونش ترانس سفارشات مربوط به انجام عملیات حمل و نقل و کلیه تشریفات (از قبیل گمرکی، بندری و...) ترانزیت کالاهای صادراتی و وارداتی ایران در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی که به طریق ترانزیت از اتحاد شوروی به کشورهای ثالث یا از کشورهای ثالث به ایران حمل می‌شود از معاملات خارجی و همچنین از مؤسسات دولتی ایران و شرکت‌های تجاری و بازرگانی قبول خواهند نمود» (همان، سند شماره: SH1341.45-K301-P5765-71).

پهلوی دوم در سفر خرداد ۱۳۴۴ به مسکو، با مقامات شوروی در باره مسائل مختلف اقتصادی و همکاری سیاسی و صنعتی میان دو کشور به گفت‌وگو پرداخت. از نتایج مسافرت شاه به مسکو، انعقاد موافقت‌نامه‌های متعدد اقتصادی و بازرگانی و از همه مهم‌تر، موافقت‌نامه همکاری اقتصادی و فنی برای احداث کارخانه ذوب‌آهن اصفهان و تأسیس کارخانه ماشین‌سازی اراک در ۲۳ دی ۱۳۴۴ بود. احمد میرفندرسکی سفیر کبیر ایران در اتحاد جماهیر شوروی در این باره نوشته است:

«هیأتی به ریاست جناب آقای دکتر عالیخانی وزیر اقتصاد و عضویت جناب آقای مهندس اصفیا مدیرعامل سازمان برنامه و سیزده نفر کارشناسان وزارت اقتصاد و ذوب‌آهن و شرکت ملی نفت ایران سه شنبه ۷ دی ۱۳۴۴ به مسکو وارد گردیدند. مذاکرات هیأت اقتصادی ایران با هیأت نمایندگی شوروی به ریاست آقای اسکاچکف رئیس کمیته دولتی روابط اقتصادی خارجی شوروی، برای حصول توافق نهایی بر اساس موافقت‌های اصولی که در باره تشریک مساعی اقتصادی و فنی و ساختمان کارخانه ذوب‌آهن و واحدهای صنعتی دیگر در جریان تشریف‌فرمایی شاهنشاه به شوروی در تیرماه گذشته انجام گرفته بود، شروع گردید. به موازات این امر، مذاکرات دیگری با هیأت نمایندگی شوروی به

ریاست آقای باتولیچف وزیر بازرگانی خارجی شوروی، برای مبادله گاز ایران در برابر ماشین آلات و تأسیسات و سایر کالاها به عمل آمد. اعضای هیأت اقتصادی ایران به چند گروه تقسیم [شدند] و با کارشناسان و نمایندگان سازمان‌های شوروی که در مسائل گاز، ذوب‌آهن و ماشین‌سازی مسئول بودند مرتباً جلسه داشته و جزئیات امور را بررسی می‌نمودند. مذاکرات هیأت بیش از دو هفته به طول انجامید و بالاخره روز پنج‌شنبه ۲۳ دی ۱۳۴۴ ساعت ۱۱ و نیم صبح در کاخ باشگاه وزارت خارجه شوروی موافقت‌نامه‌های ذیل به امضاء رسید: الف) موافقت‌نامه بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی در باره همکاری به منظور ایجاد تأسیسات صنعتی و تأسیسات دیگر در ایران و واگذاری اعتبار برای این مقاصد؛ ب) موافقت‌نامه در باره تحویل گاز طبیعی از ایران به شوروی و ماشین آلات از شوروی به ایران از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۶۳؛ پ) قرارداد کارخانه‌های ذوب‌آهن؛ ت) قرارداد کارخانه‌های ماشین‌سازی؛ ث) مقاله‌نامه احداث شاه‌لوله گاز. پس از امضا قراردادهای آقای اسکاچکوف و جناب آقای دکتر عالیخانی بیاناتی مبنی بر ابراز خوش‌وقتی و مسرت از انعقاد موافقت‌نامه‌ها، اظهار اطمینان کردند که قراردادهایی که به امضا رسیده گام بزرگی در راه حسن تفاهم و توسعه روابط اقتصادی ایران و اتحاد جماهیر شوروی خواهد بود» (همان، سند شماره: SH1341.45-K301-P5767-119-121). «یادداشت‌های مربوط به تصویب موافقت‌نامه در باره تحویل گاز طبیعی از ایران به اتحاد جماهیر شوروی و ماشین آلات و تجهیزات از اتحاد جماهیر شوروی به ایران از ۲۳ دی ۱۳۴۴ تا ۸ تیر ۱۳۴۵ در تهران مبادله گردید. بنابراین موافقت‌نامه مذکور از تاریخ ۸ تیر ۱۳۴۵ دارای اعتبار قطعی می‌شود» (همان، سند شماره: SH1341.45-K301-P5767-83).

در سندی دیگر، در باره اجرای طرح ذوب‌آهن کشور بر اساس موافقت‌نامه مورخ ۲۳ دی ۱۳۴۴ میان دولت ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی آمده است که مذاکرات با سازمان صادرات صنایع سنگین اتحاد جماهیر شوروی به عقد قرارداد ساختمان کارخانه ذوب‌آهن منجر شد:

«طبق قرارداد مذکور، سازمان فوق‌الذکر ترتیب تهیه طرح نهایی کارخانه و پایگاه سنگ آهن آن را به عهده گرفته است. سازمان فوق‌الذکر در احداث کارخانه و پایگاه‌های آهن و زغال آن کمک فنی خواهد نمود. دستگاه‌های کامل تجهیزات، ماشین‌آلات و وسایل و همچنین مواد اصلی و محصولات نیمه ساخته‌ای را که در ایران یافت و یا ساخته نشود تهیه و تحویل خواهد نمود. در اجرای صحیح طرح تنظیم شده از طریق راهنمایی در جریان کارهای مهندسی، زمین‌شناسی، توپوگرافی، زمین‌شناسی آب و دیگر کارهای اکتشافی مورد لزوم در جریان ساختمان واحدهای کارخانه و معادن در مرحله نصب و تنظیم و به کار انداختن تجهیزات در جریان بهره‌برداری کارخانه در سال اول، در دوره تعلیم کارکنان اجرائی محلی، مراقبت لازم به عمل خواهد آورد. متخصصین و کارآموزان ایرانی را برای کسب تعلیمات خاص صنعتی و فنی در مؤسسات متالورژیک و زغال شوروی خواهد پذیرفت. این قرارداد متمم‌هایی دارد که به موقع با موافقت طرفین تنظیم خواهد گشت از آن جمله متمم مربوط به اعزام کارشناسان به ایران و تعلیم کارآموز در ایران یا اتحاد جماهیر شوروی یا... طبق متمم مزبور به منظور همکاری در تحقیقات مهندسی، جمع‌آوری اطلاعات اولیه برای طرح‌ریزی کارخانه فولادسازی، ساختمان، نصب و آزمایش تجهیزات، به کار انداختن و بهره‌برداری کارخانه، گروهی کارشناس به ایران اعزام خواهد شد. اولین گروه کارشناس طبق این متمم قرارداد اوایل سال ۱۳۴۵ به ایران خواهند آمد» (همان، سند شماره: SH1341.45-K301-P5767-98-99).

در طول سال‌های بعد نیز چندین قرارداد دیگر در زمینه‌های اقتصادی بین ایران و شوروی به امضاء رسید. برای نمونه، هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد ایران و نیکلای س. پاتولیچف وزیر بازرگانی خارجی اتحاد جماهیر شوروی، در ۸ مرداد ۱۳۴۹ با نظر به اینکه "مایند به وسایل ممکنه برای توسعه مناسبات بازرگانی دو کشور بر اساس تساوی حقوق و منافع متقابل همکاری نمایند و با توجه به تمایلی که به تحکیم بیش از پیش مناسبات دوستانه حسن همجواری بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی دارند و با در نظر گرفتن مقررات قرارداد بازرگانی و بحریمایی منعقدہ بین ایران و شوروی مورخ ۵

فروردین ۱۳۱۹ تصمیم گرفتند برای مبادله کالا بین دو کشور موافقتنامه طویل‌المدت منعقد و نسبت به مواردی توافق حاصل نمودند:

«ماده (۱) مبادله کالا بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی در مدتی که از ۱۲ فروردین ۱۳۵۰ شروع و در ۱۱ فروردین ۱۳۵۵ خاتمه می‌یابد بر اساس فهرست شماره یک و تبصره آن و فهرست شماره دو منضم با این موافقتنامه صورت خواهد گرفت؛ ماده (۲) مفاد ماده یک حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی و مؤسسات بازرگانی خارجی شوروی را نسبت به انعقاد قرارداد برای خرید و فروش کالاهایی که در فهرست‌های شماره یک و دو ذکر نشده و کالاهایی که در فهرست‌های مذکور ذکر شده ولی سهمیه آن کلاً مورد استفاده قرار گرفته محدود نمی‌سازد مشروط بر این که مقامات صلاحیت‌دار طرفین موافقت نمایند؛ ماده (۳) پرداخت‌های مربوط به مبادلاتی که بر طبق این موافقتنامه انجام می‌گیرد بر اساس مقررات موافقتنامه پرداخت بین ایران و اتحاد شوروی مورخ ۳۰ خرداد ۱۳۴۳ صورت خواهد گرفت؛ ماده (۴) به منظور تسهیل اجرای این موافقتنامه دو دولت در مواردی که ایجاب نماید نسبت به مسائل مربوط به اجرای آن با یکدیگر مشاوره خواهند نمود و بدین منظور نمایندگان دو دولت به پیشنهاد یکی از طرفین در مکان و زمانی که مورد توافق طرفین باشد ملاقات خواهند کرد» (همان، سند شماره: SH1346.50-K329-P6050-41-42).

در سومین اجلاس کمیسیون دائمی همکاری اقتصادی ایران و شوروی (۴ تا ۱۵ مهر ۱۳۴۹ در تهران)، طرفین از پیشرفت برنامه همکاری‌های اقتصادی بین دو کشور در یک سال گذشته ابراز رضایت و بر اساس دستور جلسه تصمیماتی اتخاذ کردند:

«بعد از گذشت ۵ سال از قرارداد مورخ ۲۳ دی ۱۳۴۴، این قرارداد به عامل مهمی در امر گسترش همکاری بازرگانی و اقتصادی ایران و شوروی مبدل گشته است. میزان دادوستد و گردش کالا بین دو کشور طی پنج سال اخیر شش برابر و نیم شده و با سرعت زیاد توسعه می‌پذیرد. ساختمان ۶۰ مؤسسه مهم در مقیاس وسیع در ایران ادامه دارد. برخی از این واحدها به کار افتاده‌اند مانند

بهره‌برداری از لوله‌ گاز سرتاسری ایران. چند سیلو و نیروگاه برق هم ساخته شده و به کار افتاده است. کارهای ساختمانی تأسیسات هیدروتکنیکی در ساحل رود مرزی ارس در شرف پایان است و بهره‌برداری از این تأسیسات به زودی آغاز خواهد شد. ساختمان کارخانه ذوب‌آهن اصفهان به زودی پایان خواهد یافت و ساختمان بزرگ‌ترین کارخانه ماشین‌سازی ایران در اراک ادامه دارد. به این ترتیب با شرکت اتحاد شوروی بنگاه‌های صنایع ملی در ایران ایجاد می‌گردد که اساس و پایه صنعتی شدن ایران را تشکیل می‌دهند. این نکته بیش از پیش روشن می‌شود که توسعه و تکامل روابط بازرگانی و اقتصادی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی به نفع هر دو کشور است» (همان، سند شماره: -SH1346.50-K328-P6038-147-148).

تصمیماتی که اتخاذ کردند عبارت بود از:

«الف) توسعه همکاری اقتصادی و فنی بین دو کشور در دوازده تا پانزده سال آینده. در این اجلاس به طرفین آمادگی خود را برای توسعه همکاری اقتصادی و فنی بین دو کشور در دوازده تا پانزده سال آینده با رعایت موازنه و منافع طرفین به منظور حد اعلا استفاده از امکانات هر دو کشور مخصوصاً در زمینه ازدیاد خرید اتحاد شوروی از گاز و کالاهای صنعتی، توسعه متالوژی سیاه و رنگی، اجرای تحقیقات زمین‌شناسی در مورد نفت و سایر موارد معدنی، ساختمان نیروگاه‌ها و خطوط انتقال نیروی برق و تأسیسات مربوطه، مبادله نیرو، آبیاری، همکاری در امور کشاورزی و پتروشیمی برای تأمین احتیاجات دو کشور، توسعه ارتباطات حمل‌ونقل و تعلیمات حرفه‌ای اعلام نمودند. طی این مدت تحویل گاز و سایر کالاهای ایران از جمله کالاهای صنعتی به شوروی باید با تحویل کالاهای شوروی به ایران از جمله ماشین‌آلات و مصالح و کالاهای مخصوص و خدمات موازنه داشته باشد. بدین منظور طرفین توافق نمودند که پیش‌نویس موافقت‌نامه‌ای برای همکاری‌های اقتصادی و فنی بین دو کشور برای دوازده تا پانزده سال آینده تهیه گردد و توصیه نمودند که سازمان برنامه ایران و سازمان‌های ذی‌صلاحیت مربوطه شوروی پیشنهادات جامعی در مورد دورنمای

همکاری‌های مزبور تهیه و برای اتخاذ تصمیم و تصویب به کمیسیون دائمی همکاری اقتصادی دو کشور تسلیم نمایند؛ ب) بررسی اجرای موافقت‌نامه‌های همکاری اقتصادی و فنی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی. کمیسیون اجرای کلیه موافقت‌نامه‌های موجود بین دو کشور را مورد بررسی قرار داد و با ابراز رضایت اجرای موفقیت‌آمیز آنها را تأیید کرد؛ پ) مبادلات بازرگانی. کمیسیون از انعقاد موافقت‌نامه درازمدت بازرگانی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی و پروتکل مربوط به تشکیل شرکت مختلط امور حمل‌ونقل ایران و شوروی که در تاریخ ۸ مرداد ۱۳۴۹ در مسکو به امضا رسیده و همچنین از توسعه مبادلات بازرگانی بین دو کشور اظهار رضایت و خوش‌وقتی نمود. طرفین معتقدند که برای توسعه بیشتر دادوستد بین دو کشور از کلیه امکانات استفاده به عمل آید و به همین جهت کمیسیون توصیه نمود که هر ساله به منظور بررسی وضع بازرگانی بین دو کشور و تبادل نظر در مورد افزایش حجم مبادلات ملاقات‌هایی بین مقامات صلاحیت‌دار وزارت اقتصاد و وزارت بازرگانی خارجی اتحاد جماهیر شوروی به عمل آید. با توجه به ابراز تمایل طرفین به توسعه روابط متوازن بازرگانی بر اساس منافع متقابل موافقت گردید که طرفین توصیه‌های لازم را به سازمان‌های بازرگانی خارجی اتحاد جماهیر شوروی و بازرگانان و مؤسسات بازرگانی ایرانی بنمایند تا حتی‌الامکان قراردادهای طولی‌المدت برای خرید و فروش کالاهای مندرج در فهرست‌های ضمیمه موافقت‌نامه درازمدت بازرگانی بین دو کشور منعقد سازند. همچنین به منظور توسعه روابط بازرگانی بین ایران و شوروی موافقت به عمل آمد که طرفین علاوه بر سهمیه‌های پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه درازمدت بازرگانی مورخ ۸ مرداد ماه ۱۳۴۹ نسبت به خرید و فروش کالاهایی نیز با شرایط اقساطی تا میزانی که مقدور باشد تسهیلات لازم را معمول دارند؛ ت) امور حمل‌ونقل. کمیسیون گزارش‌های دومین و سومین کمیسیون فرعی دائمی حمل‌ونقل را که به ترتیب در تهران و مسکو تشکیل یافته بود بررسی نمود و اصول مورد موافقت کمیسیون فرعی را مورد تأیید قرار داد» (همان، سند شماره: SH1346.50-K328-P6038-128-140).

پهلوی دوم در ۷ اسفند سال ۱۳۴۹ به مناسبت سالگرد امضای عهدنامه مودت بین دولت ایران و اتحاد جماهیر شوروی در ۷ اسفند ۱۲۹۹ پیامی مبنی بر رضایت از همکاری با اتحاد جماهیر شوروی، برای دولت و ملت شوروی فرستاد:

«این عهدنامه و ضمائهم آن که روابط بین دو کشور را بر اساس احترام به حق حاکمیت تام و مساوات کامل و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر استوار کرده است به دولت ایران که به نوبه خود در زمره اولین دولت‌هایی بود که دولت نوپنیا اتحاد جماهیر شوروی را به رسمیت شناخت در مبارزه به خاطر رسیدن به حقوق حقه خود و رهایی از قید نفوذ خارجی کمک و مساعدت نمود و همچنین تحقق اصول جدیدی را که ولادیمیر ایلیچ لنین در روابط بین‌المللی ارائه نموده بود برای اولین بار میسر ساخت. اصول جدیدی که بر مبنای تساوی حقوق و احترام به استقلال و حاکمیت بلاشرط ملی به این ترتیب بر روابط دو کشور حاکم گردید بعدها به صورت پایه‌های اصلی منشور ملل متحد که در حال حاضر روابط کشورهای جهان منحصراً متکی بر اصول آن است در آمد. از زمان امضای این عهدنامه نیم قرن می‌گذرد و روابط دو کشور با وجود پشت سر گذاشتن فرازونشیب‌های بسیار همچنان دوستانه و دوستانه‌تر شده و برپایه حسن همجواری ادامه دارد. اصول مندرج در این عهدنامه و ضمائهم آن که منطبق با مفاد منشور ملل متحد می‌باشد و نمی‌تواند مسلماً با آن مغایرت داشته باشد انعقاد یک سلسله موافقت‌نامه‌های مهم را که منطبق با منافع هر دو کشور است امکان‌پذیر نمود و مایه کمال خوش‌وقتی است که مناسبات دو کشور در تمام جهات توسعه یافته و اکنون بر اساس همان اصول به صورت نمونه بارزی از همکاری ثمربخش در زمینه‌های مختلف اقتصادی و بازرگانی و فرهنگی در آمده است. اطمینان دارم که روابط دوستانه ایران و اتحاد جماهیر شوروی در آینده نیز به نفع هر دو ملت و به سود حفظ و تقویت صلح جهانی توسعه خواهد یافت» (همان، سند شماره: SH1346.50-10-11-K329-P6050).

ب- سیاست موسوم به مستقل ملی (۱۳۵۷-۱۳۵۰ ش.): در دهه ۵۰ شمسی، با پذیرش نقش ژاندارمی منطقه از سوی شاه، چنین انتظار می‌رفت که روابط گسترده بازرگانی، اقتصادی، صنعتی و فنی ایران و شوروی دچار رکود شود، اما تأمین منافع و رضایت دو طرف از موافقت‌نامه‌های پیشین، حتی موجب گسترش بیشتر همکاری‌های اقتصادی، فنی و فرهنگی شد. پس از آنکه دولت بریتانیا تصمیم گرفت نیروهای خود را از خلیج فارس خارج کند، ایران و شوروی پیشنهاد کردند که منطقه خلیج فارس از مناقشات نیروها و کشورهای قدرتمند دور بماند و حفظ امنیت آن به کشورهای ساحلی واگذار شود (منتظری، ۱۳۹۳: ۱۹۶).

در این دوره، در پی همکاری‌های فنی و اقتصادی و توسعه مناسبات تجاری ایران و اتحاد جماهیر شوروی، روابط علمی و فرهنگی دو کشور نیز افزایش یافت. دولت ایران و اتحاد جماهیر شوروی در زمینه برنامه روابط فرهنگی مشروح زیر در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۵۰ ش. توافق کردند. مقصود از این برنامه، توسعه همکاری بیشتر در رشته‌های فرهنگی، هنر، علوم آموزش عالی، آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت، رادیو، تلویزیون، مطبوعات و ورزش بود، تا بدین ترتیب به توسعه تماس‌ها بین سازمان‌های ادبی هنری و جمعیت‌های روابط فرهنگی بر اساس اصول احترام متقابل، حاکمیت، عدم مداخله در امور داخلی، تساوی حقوق و بهره متقابل در جهت تحکیم علائق دوستی و حسن همجواری دو کشور کمک و مساعدت شود. بدین منظور، شورای هماهنگی برنامه‌های علمی و فنی ایران و شوروی بر اساس طرح برنامه پنج ساله مبادلات فرهنگی بین ایران و شوروی (۱۳۵۵-۱۳۵۰ ش.) و پس از کسب نظر کمیته‌های کار، مذاکرات را در باره زمینه‌های همکاری علمی و فنی دو کشور، در آذر و دی ۱۳۵۰ ادامه داد و با در نظر گرفتن اولویت‌ها، نیازمندی‌ها و تمایلات اصلی طرح، برنامه‌ای که از جانب مقامات شوروی اظهار شده بود، پیشنهادهای خود را در قالب موارد زیر تنظیم کرد:

«الف) مطالعه در باره زهکشی و اصلاح زمین‌های شور و قلیائی. منظور از

این مطالعه استفاده از اراضی خشک و شور باتلاقی است و چون در بعضی از

جمهوری‌های شوروی مطالعات منظم و دامنه‌داری در این مورد به عمل آمده

است، ایجاد ارتباط با مؤسسات تحقیقاتی و علمی شوروی می‌تواند نتایج

مطلوب به بار آورد. برای اجرای این منظور می‌توان مؤسسات مخصوص به وجود آورد یا مؤسسات موجود را در وزارت کشاورزی و منابع طبیعی، وزارت آب و برق، مؤسسه خاک‌شناسی کشور و دانشگاه‌های کشور توسعه داد و کارشناسان و اطلاعات لازم را مبادله نمود؛ ب) انجام تحقیقات مربوط به درخت‌کاری و حفظ یا احیاء جنگل به طرق زیر: تحقیقات مربوط به سازگاری گونه‌های درختی یا درختچه‌ای؛ روش‌های تولید در خزانه؛ مکانیزه کردن کشت درختان و جنگل‌کاری؛ تثبیت ریگ‌های روان و مرتع‌داری کویر؛ پ) طرح ساختمان‌های مقاوم در برابر زلزله در شهرها و به ویژه روستاها. همکاری در این زمینه شامل: مطالعات مشترک در باره منطقه‌بندی کشور از نظر زلزله‌خیزی؛ تبادل اطلاعات در باره زلزله‌هایی که در نواحی سرحدی دو کشور تاکنون روی داده است؛ مطالعه مشترک در باره سبک‌های معماری روستایی به منظور تنظیم نقشه ساختمان‌های ارزان قیمت مقاوم در برابر زلزله و مطالعه در باره انواع مصالح ساختمان‌های محلی و فرم‌های ساختمانی؛ ت) انجام تحقیقات مشترک به منظور کاربرد تکنولوژی در صنایع نفت، مانند: به دست آوردن پروتئین از مواد نفتی؛ تطبیق استانداردهای متداول در دو کشور؛ تبادل اطلاعات در زمینه ژئوفیزیک و مطالعه لرزه‌شناسی در زمین و دریا؛ انجام مطالعات مشترک در زمینه اکولوژی بحر خزر و منابع طبیعی آن و شیمی نفت؛ ث) تحقیقات فیزیک هسته‌ای. تبادل اطلاعات و دانشمندان در زمینه تحقیقات فیزیک هسته‌ای و فراهم آوردن تسهیلات به منظور ایجاد رآکتورهای اتمی و آزمایشگاه‌های مورد نیاز بعضی از دانشگاه‌های کشور؛ ج) برنامه‌ریزی آموزشی شامل مطالعه در زمینه‌های نظام آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی و تحقیقات تربیتی و مطالعه خاص در زمینه آموزش حرفه‌ای و فنی در سطوح متوسطه و عالی؛ چ) سیاست علمی که شامل بررسی ارتباط تحقیقات با آموزش در دانشگاه‌ها و مطالعه در مورد سازمان ملی تحقیقات علمی می‌شود؛ ح) تبادل اطلاعات علمی از طریق توسعه روابط بین مراکز اسناد علمی دو کشور، تبادل اطلاعات و کارشناسان و استفاده از سیستم‌های تنظیم اسناد

همکاری به عمل خواهد آمد؛ خ) تبادل کارشناسان و اطلاعات در امور پزشکی و بهداشتی و به ویژه در زمینه تهیه واکسن فلج اطفال؛ د) تبادل اطلاعات و کارشناسان در زمینه بیماری‌های دامی و گیاهی مانند: بیماری‌های دامی که شامل بیماری‌های ویروسی، مبادله سوژه‌های ویروس، انگل‌های خونی نشخوارکنندگان و تک‌سمی‌ها و مطالعه ویروس‌های تب برفکی می‌شود و بیماری‌های گیاهی شامل انجام طرح‌های مطالعاتی در باره روش‌های جدید مبارزه با حشرات زیان‌آور منجمله مبارزه تلفیقی، مبارزه به وسیله پرتوهای یون‌ساز و روش‌های مبارزه هوایی؛ ذ) کشت پنبه، مکانیزه کردن و ایجاد ارقام جدید و مناسب مطالعه روش‌های زراعتی پنبه از راه مبادله اطلاعات و کارشناسان» (همان، سند شماره: SH1346.50-K327-P6036-30-33).

به رغم روابط دوستانه دو کشور، همواره دو موضوع موجب نگرانی حکومت ایران می‌شد: یکی حضور همه‌جانبه ناوگان شوروی در خلیج فارس و اقیانوس هند و دیگری گسترش روزافزون روابط شوروی با عراق که روابط خصمانه با ایران داشت؛ موافقت‌نامه همکاری امنیتی عراق و شوروی در ۲۰ فروردین ۱۳۵۱ کمک بزرگی به عراق و سیاست‌های ضد ایرانی آن کشور محسوب می‌شد. پهلوی دوم برای روشن شدن هر چه بیشتر مسائل میان دو کشور و به منظور رفع کدورت‌های حاصل از امضای موافقت‌نامه عراق و شوروی، در مهر ۱۳۵۱ به مسکو سفر کرد. مسافرت شاه به مسکو و گفت‌وگوهای وی با مقامات اتحاد جماهیر شوروی، هم کدورت‌های دو کشور را برطرف کرد و هم دستاورد بسیار مهم در زمینه‌های اقتصادی، فنی و فرهنگی داشت (ازغندی، ۱۳۸۲: ۴۱۴-۴۱۳). در این مسافرت، شاه بعد از رفع کدورت‌ها در ضیافت شام کاخ کرملین در زمینه روابط دو کشور اظهار داشت:

«اکنون بیش از هر وقت دیگر در تاریخ دو کشور روابط ما بر پایه دوستی و حسن تفاهم و همکاری نزدیک استوار است. به طوری که می‌توان این رابطه را سرمشقی از حسن همجواری دو کشور و دو ملت در دنیای امروز دانست. بر اثر این روح تفاهم و واقع‌بینی متقابل اکنون مرزهای دو کشور ما به صورت مرزهای

صلح و دوستی در آمده است» (همان، سند شماره: SH1351.55-K347-17-16-18.P4).

در ۲۰ مهر ۱۳۵۱ نیز موافقت‌نامه‌ای به منظور توسعه همکاری اقتصادی و فنی برای پانزده سال و برنامه مبادلات فرهنگی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۵۰ میان شوروی و ایران در مسکو به امضاء رسید:

«۱. ا. گرومیکو وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی و عباسعلی خلعتبری وزیر امور خارجه ایران، این اسناد را امضا کردند. دولت ایران و اتحاد جماهیر شوروی به پیروی از تمایلات متقابل برای تشدید و توسعه روابط دوستانه و حسن همجواری و با توجه به روح قراردادهای موافقت‌نامه‌های موجود بین دو کشور موافقت‌نامه را منعقد نمودند. موافقت‌نامه بسط و توسعه بیشتر همکاری ثمربخش و همه جانبه اقتصادی و فنی متقابل و بازرگانی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی را بر اساس طول مدت و تثبیت پیش‌بینی می‌نماید. برنامه مبادلات فرهنگی که بر اساس تعهدات فرهنگی بین اتحاد جماهیر شوروی و ایران تهیه گردیده تمایلات مهم همکاری بین دو کشور را در زمینه فرهنگ هنر و علوم رادیو و تلویزیون مطبوعات و ورزشی تعیین می‌نماید» (همان، سند شماره: SH1351.55-K333-P60.74.-1-92).

توازی که در روابط دوجانبه ایران و شوروی پس از عهدنامه پانزده ساله پدید آمد، در روندی همه‌جانبه ادامه یافت. برژنف دومین رهبر شوروی بود که در مهر ۱۳۵۳ به تهران آمد و در مذاکرات با مقامات ایرانی از آنها خواست تا در خرید اسلحه میان آمریکا و شوروی تبعیض قائل نشوند، به ویژه که سلاح‌های ساخت شوروی برای ایران ارزان‌تر است و سریع‌تر هم تحویل داده می‌شود و سپردن شرط هم لازم نیست. پهلوی دوم هم در آخرین دیدار از مسکو در آبان ۱۳۵۳ در گفت‌وگوهای بسیار با مقامات عالی‌رتبه شوروی، زمینه‌های همکاری بیشتر ایران و شوروی را در بخش‌های اقتصادی و صنعتی فراهم کرد. علاوه بر این، نقش ژاندارمی ایران در منطقه نیز تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر روابط شوروی با ایران را در پی نداشت. اتحاد شوروی همانند گذشته از سیاست عدم

دخالت نیروهای خارجی در حوزه خلیج فارس حمایت می‌کرد و با تسلیح ایران هم مخالف نبود (منتظری، ۱۳۹۳: ۱۹۸).

جو حسن‌نیتی که در روابط دو جانبه ایران و اتحاد جماهیر شوروی پدید آمده بود تا سال ۱۳۵۵ش. ادامه یافت. در این سال‌ها پروتکل‌هایی بین دو کشور مبادله گردید و قراردادهایی مهم به امضاء رسید. این قبیل همکاری‌ها از لحاظ مالی برای ایران سودآور بود؛ وانگهی پهلوی دوم با این همکاری‌ها امید داشت که شوروی از سیاست منطقه‌ای ایران پشتیبانی کند و از حمایت عراق بکاهد. پنجمین اجلاس کمیسیون دائمی همکاری اقتصادی ایران و شوروی از تاریخ ۲۸ مهر الی ۲ آبان ۱۳۵۲ در تهران تشکیل گردید. طرفین آمادگی خود را برای توسعه همکاری‌های اقتصادی و فنی و بازرگانی بر اساس موافقت‌نامه توسعه همکاری اقتصادی و فنی بین اتحاد شوروی و ایران (۲۰ مهر ۱۳۵۱) با رعایت اصل توازن در مبادلات و در جهت منافع مشترک تأیید کردند و اینکه به این منظور، به فعالیت‌های خود مبنی بر همکاری در اجرای طرح‌های جدید طی دوره برنامه عمرانی پنجم ایران و نیز طی سال‌های پس از آن در چارچوب کمیسیون دائمی ادامه خواهند داد. طرفین در باره طرح‌های در دست اجراء، طرح‌هایی از برنامه عمرانی پنجم ایران که برای همکاری در اجرای آنها توافق شده بود و همچنین در باره دورنمای همکاری‌های دو کشور به شرح زیر موافقت کردند:

«الف) گاز: طرفین یادداشت کارشناسان شوروی و ایران مورخ ۱۸ مهر ۱۳۵۲ مربوط به ترانزیت گاز ایران از خاک اتحاد جماهیر شوروی تا مرز آلمان فدرال را مورد توجه قرار دادند. ب) احداث نیروگاه‌های برق و خطوط انتقال نیرو: طرفین نسبت به همکاری در احداث مرحله اول نیروگاه حرارتی شهر اهواز به ظرفیت ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار کیلو وات با نصب دو دستگاه هر یک به ظرفیت ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار کیلو وات طی برنامه عمرانی پنجم ایران با توجه به اینکه نیروگاه‌های مزبور در مرحله نهایی به ظرفیت ۱۲۰۰ تا ۱۴۰۰ هزار کیلووات خواهد رسید به توافق رسیدند. پ) ماشین‌سازی اراک: بر اساس صورت‌جلسه چهارمین اجلاس کمیسیون دائمی مذاکراتی بین مؤسسات ایرانی و شوروی در مورد ساختن تجهیزات لازم جهت توسعه کارخانه ذوب آهن

آریامهر و معادن زغال و تجهیزات و کارخانه‌جات ساخت قطعات پیش‌ساخته برای طرح کارخانه‌سازی که با همکاری فنی شوروی در ایران اجرا می‌شود، در ماشین‌سازی اراک به عمل آمده و در این زمینه پروتکلی توسط طرفین به امضا رسیده است. ت) زمین‌شناسی: طرفین علاقه خود را برای همکاری در بررسی‌های زمین‌شناسی و اکتشافات مواد معدنی جامد در ناحیه انارک واقع در منطقه مرکزی ایران تأیید نمودند. ث) تعلیمات فنی و حرفه‌ای: طرفین آمادگی خود را نسبت به توسعه همکاری بین دو کشور در تعلیمات فنی و حرفه‌ای مخصوصاً در موارد زیر اعلام داشتند. ج) پتروشیمی: طرفین از امضا قرارداد انجام مطالعه فنی و اقتصادی طرح پلی‌آیزوپرین به ظرفیت ۶۰ هزار تن در سال اظهار رضایت نمودند. طرف شوروی موافقت نمود که مطالعات لازم را به پایان رسانیده و گزارش مربوط را در دی ۱۳۵۲ به شرکت ملی صنایع پتروشیمی تسلیم نماید. چ) استفاده مشترک از آب رودخانه‌های مرزی: تحقیقات و طرح‌ریزی و انجام بررسی‌های اکتشافی به منظور تهیه گزارش توجیهی فنی و اقتصادی طرح احداث تأسیسات آبی خدآفرین که قرارداد آن اخیراً بین طرفین به امضاء رسید. قرارداد مربوطه به انجام مطالعات مشترک در رودخانه اترک بین مؤسسات طرفین امضا شده است. ح) کارخانه‌جات سیمان: طرف شوروی آمادگی خود را برای همکاری با طرف ایرانی در احداث دو کارخانه سیمان به طریق خشک یا تر اعلام داشت. خ) کارخانه‌خانه‌سازی: طرفین قراردادهای مربوط به خرید یازده کارخانه‌خانه‌سازی و همچنین قراردادهای متمم آنها را که بین ماه‌های مهر ۱۳۵۱ و مرداد ۱۳۵۲ بین سازمان‌های مربوط دو کشور به امضا رسیده است مورد توجه قرار داده و تأکید کردند که تحویل ماشین‌آلات و تجهیزات و مواد و مصالح مورد لزوم طبق برنامه پیش‌بینی شده به موقع انجام پذیرد. د) کشاورزی: طرفین اظهار رضایت نمودند که در ماه خرداد ۱۳۵۲ دو قرارداد برای اعزام کارشناسان شوروی به منظور انجام بررسی‌های لازم در دو مورد بررسی امکان تبدیل اراضی جنگلی جلگه‌ای شمال ایران به مراتع، بین سازمان‌های مربوط دو کشور به امضا رسیده

است. ذ) سیلو و صنعت چای: طرف شوروی آمادگی سازمان‌های شوروی را برای همکاری در احداث کارخانه‌جات سیلو در ایران اعلام داشت. ر) شیلات: طرفین موافقت نمودند در احداث ۶ کارگاه تکثیر ماهی در ایران همکاری نمایند. ز) بازرگانی: طرفین توافق نمودند که امکانات خود را نسبت به خرید و فروش کالاهایی علاوه بر سهمیه‌های پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه درازمدت بازرگانی مورخ ۸ مرداد ۱۳۴۹ و خرید و فروش کالا با شرایط اقساطی تا میزانی که مقدور باشد و نیز موضوع انعقاد قراردادهای طویل‌المدت برای خرید و فروش کالا بین مؤسسات و شرکت‌های طرفین را به طور مثبت تحت بررسی مجدد قرار دهند. ژ) حمل‌ونقل: طرفین موافقت نمودند که تا اواخر پاییز ۱۳۵۲ تحویل واگن از جلفای شوروی به جلفای ایران روزانه تا ۳۰۰ واگن و از دی ۱۳۵۲ تحویل تا ۴۰۰ واگن در شبانه روز تأمین شود. موافقت‌نامه حمل کالا روی پالت از زمستان ۱۳۵۲ به مرحله اجرا در خواهد آمد و همچنین حمل کالاهای بازرگانی شوروی و کالاهای ترانزیتی از دی ۱۳۵۲ در کنتینرهای ۲۰ تنی در بنادر شمالی ایران تحویل گرفته خواهد شد. طرفین توصیه نمودند که نمایندگان شرکت سهامی معاملات خارجی و اتحادیه کل سایوزونش ترانس تا دی ۱۳۵۲ ملاقات و نسبت به تجدید قرارداد ترانزیت ایران و شوروی با حداقل نرخ کرایه ممکن اقدام نمایند» (آرشیو وزارت امور خارجه، سند شماره: SH1351.55-K349-P6.2-2-9).

همکاری‌های فنی و صنعتی و مبادله کالاهای پررونق بین دو کشور بعد از سال ۱۳۵۵ش. به سبب بی‌ثباتی سیاسی جامعه ایران که ناشی از حرکت‌های انقلابی و ضدحکومتی مردم بود، به تدریج کاهش یافت. در واقع در دو سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ش. خط مشی سیاست رسمی شوروی نسبت به ایران بر اساس اصل صبر و انتظار بود. به رغم اینکه ماهیت ضدامپریالیستی اعتراضات مردم کاملاً روشن بود و احتمال می‌رفت که روس‌ها از آن حمایت کنند، حتی در تابستان ۱۳۵۷ش. که دامنه تحولات بسیار گسترده شد، اتحاد شوروی بسیار محتاطانه برخورد می‌کرد (ازغندی، ۱۳۸۲: ۴۱۴). تحلیلگران روسی مخالفت مردمی علیه رژیم شاهنشاهی را امری گذرا و موقتی

می‌دانستند و دولت را کاملاً مسلط بر اوضاع می‌دیدند و از این رو، بهبود مناسبات اقتصادی بین دو کشور را توصیه و تجویز می‌کردند. با این نگرش، طبیعی بود که با وجود اظهارات ضدکمونیستی برخی از سیاستمداران عالیرتبه ایرانی به دنبال وقوع کودتای کمونیستی در افغانستان، مقامات شوروی بکوشند دست کم تا زمانی که رفتن شاه کاملاً قطعی نشده است، روابط نزدیک خود را با رژیم پهلوی حفظ کنند. رادیو مسکو در ۷ خرداد ۱۳۵۷ به نقل از وزیر امور خارجه وقت شوروی گفت که حسن همجواری و همکاری بین ایران و شوروی امری قدیمی است و به زودی قابل گسستن نیست (هرمن، ۱۳۷۴: ۳۹). به طور کلی می‌توان گفت که روس‌ها تا پیش از اطمینان از سقوط کابینه بختیار و تعیین دولت موقت از سوی امام خمینی، دست از حمایت از شاه برنداشتند.

نتیجه

روابط ایران و شوروی همواره در طول تاریخ دچار فراز و نشیب‌های بسیار بوده است. در طول این مدت، ایران همواره از بابت این امپراتوری و خواسته‌های توسعه‌طلبانه آن بیمناک بود، اما به سبب همسایگی به ناچار سیاست‌هایی همکاری‌جویانه را نیز دنبال می‌کرده است. در این پژوهش با استفاده از اسناد وزارت امور خارجه که معتبرترین منبع برای گردآوری اطلاعات مهم تاریخی و نیز مطمئن‌ترین منبع برای پژوهش در باره نقاط مبهم و مهم تاریخ است، روابط ایران با اتحاد جماهیر شوروی در دوره پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۳۲ ش.) بررسی شد. دستاورد نهایی مقاله نشان می‌دهد که ایران در این دوره به سبب دستیابی به نوعی اعتماد به نفس کاذب در سال‌های پایانی دوره پهلوی، نگاه عملگرایانه‌تر به مناسبات نظام بین‌الملل، گسترش روابط با اتحاد جماهیر شوروی را در جهت منافع کشور می‌دید. به گونه‌ای که برخلاف مواضع انفعالی ناشی از اتخاذ سیاست‌ها در مدار سیاست خارجی آمریکا تلاش نمود تا حدی ابتکار عمل را در روابط با همسایه شمالی در دست گیرد و در مواردی سطح مناسبات دوستانه در زمینه‌های تجاری، علمی و فنی با این کشور را ارتقاء بخشد.

منابع و مأخذ:

اسناد

آرشیو اسناد وزارت امور خارجه

پاسخ سفارت کبرای شاهنشاهی ایران به یادداشت وزارت امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی در رابطه با الحاق ایران به پیمان بغداد:

SH1334-K244-P1334.11-13-14

پاسخ سفارت کبرای شاهنشاهی ایران به یادداشت سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی:

SH1334-K244-P1334.11-3-4

متن مصاحبه دکتر اردلان وزیر امور خارجه در رابطه با توسعه روابط اقتصادی با اتحاد جماهیر شوروی:

SH1335-K280-P193-37-39

اظهارات سفیر ایران در شوروی راجع به روابط دو کشور:

SH1337-K252-P5059-14-15

متن روزنامه "سوتسکایا راسیا" در رابطه با همکاری اقتصادی، فنی و فرهنگی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی:

SH1341.45-K297-P5704-15

نامه محرمانه سفیر کبیر آدمیت در رابطه با مذاکرات عالیخانی وزیر اقتصاد با پاتولیچف وزیر تجارت خارجی اتحاد جماهیر شوروی برای هیواد رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی:

SH1341.45-K297-P5704-15

نامه وزارت امور خارجه ایران به سفارت اتحاد جماهیر شوروی در رابطه با افزایش چند راه ترانزیتی:

SH1341.45-K301-P5763-11

قرارداد بین شرکت سهامی معاملات خارجی ایران و اتحادیه کل اتحاد جماهیر شوروی "سایوزونش ترانس" :

SH1341.45-K301-P5765-71

نامه احمد میرفندرسکی سفیرکبیر ایران در اتحاد جماهیر شوروی به وزارت امور خارجه ایران در رابطه با مذاکرات و توافقات هیأت ایرانی در اتحاد جماهیر شوروی:

SH1341.45-K301-P5767-119-121

یادداشت‌های مربوط به تصویب موافقت‌نامه در باره تحویل گاز طبیعی از ایران به اتحاد جماهیر شوروی و ماشین آلات و تجهیزات از اتحاد جماهیر شوروی به ایران:

SH1341.45-K301-P5767-83

قرارداد ساختمان کارخانه ذوب‌آهن بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی:

SH1341.45-K301-P5767-98-99

موافقت‌نامه طویل‌مدت مبادله کالا بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی:

SH1346.50-K329-P6050-41-42

کپی بخش فارسی رادیو مسکو در رابطه با روابط اقتصادی و همکاری‌های فنی ایران و اتحاد جماهیر شوروی:

SH1346.50-K328-P6038-147-148

دستور جلسه سومین اجلاس کمیسیون دائمی همکاری اقتصادی ایران و اتحاد جماهیر شوروی:

SH1346.50-K328-P6038-128-140

تلگراف محمدرضا پهلوی به دولت و ملت شوروی به مناسبت امضای عهدنامه مودت بین دولت ایران و اتحاد جماهیر شوروی:

SH1346.50-K329-P6050-10-11

برنامه روابط فرهنگی بین دولت ایران و اتحاد جماهیر شوروی ۱۳۵۵-۱۳۵۰ ش:

SH1346.50-K327-P6036-115

همکاری‌های علمی و فنی ایران و اتحاد جماهیر شوروی:

SH1346.50-K327-P6036-30-33

روابط ایران با اتحاد جماهیر شوروی:

SH1351.55-K347-P4.18-16-17

موافقت‌نامه توسعه اقتصادی و همکاری فنی ایران و اتحاد جماهیر شوروی:

SH1351.55-K333-P60.74.-1-92

صورت جلسه پنجمین اجلاس کمیسیون دائمی همکاری اقتصادی شوروی و ایران:

SH1351.55-K349-P6.2-2-9

کتاب‌ها

فارسی:

ابراهیم‌زاده، حسن، ۱۳۸۱، "سند و تحلیل"، در کتاب: مجموعه مقالات همایش اسناد و تاریخ‌نگاری معاصر، جلد ۳، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

اتکین، موریل، ۱۳۷۴، "اسطوره‌های روابط ایران و شوروی"، ترجمه: الهه کولایی، فصلنامه راهبرد، شماره ۷، تابستان، صص ۱۵۹-۱۸۲.

ازغندی، علی‌رضا، ۱۳۸۲، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)، تهران: سمت.

امینی، علی‌رضا، ۱۳۸۱، تاریخ روابط خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران: صدای معاصر.

_____، ۱۳۸۱، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی، تهران: صدای معاصر.

ایزاک، استفان، ۱۳۷۴، راهنمای جامع تحقیق و ارزیابی، ترجمه: مریم کریم‌بنا، مشهد: آستان قدس.

براون، کریس و کرستن اینلی ۱۳۹۱، فهم روابط بین‌الملل، ترجمه: محمدجواد رنجکش و فاطمه صلواتی طرقی، مشهد: مرنديز.

بلیک، کریستین، ۱۳۹۴، روابط خارجی ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۱: روایتی جدید از رویارویی آمریکا و شوروی در ایران، ترجمه: علی باقری دولت‌آبادی و حوریه دهقان، تهران: مخاطب.

پهلوی، محمدرضا، ۱۳۵۵، به سوی تمدن بزرگ، ناشر: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی.

_____، ۱۳۷۱، پاسخ به تاریخ، ترجمه: حسین ابوترابیان، ناشر: مترجم.

جکسون، رابرت و گئورگ سورنسون، ۱۳۹۴، درآمدی بر روابط بین‌الملل (نظریه‌ها و رهیافت‌ها)، ترجمه: مهدی ذاکریان، احمد تقی‌زاده و حسن سعیدکلاهی، تهران: میزان.

خلیلی، محسن، ۱۳۹۲، "بازخوانی نامه‌های میرزا حسین خان سپهسالار در پرتو چشمداشت‌های هفت‌گانه از سیاست خارجی"، فصلنامه سندپژوهی بهارستان، شماره ۱، بهار، صص ۷۵-۴۹.

_____، ۱۳۹۰، "مناسبات فرامرزی روزگار قاجاریه؛ روابط خارجی یا سیاست خارجی؟"، تاریخ روابط خارجی، شماره ۴۸، پاییز، صص ۱۰۱-۷۹.

خوشوقت، محمدحسین، ۱۳۷۵، تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تهران: وزارت امور خارجه.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، ۱۳۹۴، اصول و مبانی روابط بین‌الملل (۱)، تهران: سمت.

رینولدز، فیلیپ آلن، ۱۳۸۰، شناخت اصول روابط بین‌الملل، ترجمه: جمشید زنگنه، تهران: وزارت امور خارجه.

سنایی، مهدی و جهانگیر کرمی، ۱۳۸۷، روابط ایران و روسیه، تهران: ایراس. سید امامی، کاووس، ۱۳۸۶، پژوهش در علوم سیاسی (رویکردهای اثبات‌گرا، تفسیری و انتقادی)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

طاهراحمدی، محمود، ۱۳۸۵، "پیمان بغداد و تأثیر آن بر روابط ایران و شوروی"، مجله گنجینه اسناد، شماره ۶۱، بهار، صص ۴۷-۳۶.

_____، ۱۳۹۳، تاریخ روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی ۱۳۴۵-۱۳۲۵، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه.

عطارزاده، مجتبی، ۱۳۷۸، "بررسی روابط ایران و شوروی در دوره حاکمیت کمونیسم"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۷، پاییز، صص ۱۹۵-۱۵۵.

فوران، جان، ۱۳۷۷، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب، ترجمه: احمد تدین، تهران: خدمات فرهنگی رسا.

قائم‌مقامی، جهانگیر، ۱۳۵۰، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران: انجمن آثار ملی.

قوام، عبدالعلی، ۱۳۷۰، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: سمت.

کالینگوود، رابین جورج، ۱۳۸۵)، مفهوم کلی تاریخ، ترجمه: علی اکبر مهدیان، تهران: اختران.

کدی، نیکی، ۱۳۷۹، نه شرقی نه غربی: روابط خارجی ایران با آمریکا و اتحاد شوروی، ترجمه: ابراهیم متقی و الهه کولایی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مانهایم، یارول و ریچارد ریچ، ۱۳۷۷، روش‌های تحقیق در علوم سیاسی: تحلیل تجربی، ترجمه: لیلا سازگار، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

محمدی، منوچهر، ۱۳۷۷، مروری بر سیاست خارجی ایران دوران پهلوی یا تصمیم‌گیری در نظام تحت سلطه، تهران: دادگستر و میزان.

منتظری، حمیدرضا، ۱۳۹۳، "بررسی روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی در دوره پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۲۰ ش.)، تعامل یا تقابل"، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۵۸-۵۹، بهار و تابستان، صص ۲۰۵-۱۷۱.

هرمن، ریچارد، ۱۳۷۴، "نقش ایران در ادراکات و سیاست‌های اتحاد جماهیر شوروی ۱۹۸۸-۱۹۴۶"، ترجمه: الهه کولایی، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۰۰-۹۹، آذر و دی، صص ۴۷-۳۹.

هوشنگ‌مهدوی، عبدالرضا، ۱۳۸۰، "ارزیابی سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی دوم"، مجله علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۱۶، زمستان، صص ۳۳۰-۳۲۳.

_____، ۱۳۷۵، تاریخ روابط خارجی ایران: از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم (۱۵۰۰-۱۹۴۵)، تهران: امیرکبیر.

_____، ۱۳۷۳، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰، تهران: البرز.

لاتین:

Cossa, Ralph A. 1990, "Iran: Soviet Interests, US Concerns", *the Institute for National Strategic Studies*, Available in:

<https://www.files.ethz.ch/isn/23426/mcnair11.pdf>

Deutschmann, Moritz 2015, "Iran and Russian Imperialism: The Ideal Anarchists, 1800-1914", Publisher: Routledge.

Lucas, Lydia 1981, “*The Historian in the Archives Limitations of Primary Source Materials*”, *Minnesota History*, Available in: <http://collections.mnhs.org/MNHHistoryMagazine/articles/47/v47i06p227-232.pdf>

Moore, Eric D. 2012, “*The Crisis of Cooperation: A Critical Analysis of Russian-Iranian Relations in the Post-Soviet Era*”, Dissertations and Theses, Portland State University, Available in:

<https://core.ac.uk/download/pdf/37772464.pdf>

Pye, Michael 2015, “*in The Belly of the Bear? Soviet-Iranian Relations During the Reign of Mohammad Reza Pahlavi*”, a Thesis Submitted for the Degree of PhD at the University of St Andrews, Available in:

<https://research-repository.st-andrews.ac.uk/handle/10023/9501>

Raine, F. 2001, “*Stalin and the Creation of the Azerbaijan Democratic Party in Iran, 1945, Cold War History*, Vol, 2(1), pp. 1-38.

Shlapentokh, Dmitry. 2009; “*Russian Elite Image of Iran: From the Late Soviet Era to the Present*”, Publisher: Strategic Studies Institute.